

بررسی تأثیر سفرهای زیارتی

بر سیاست منطقه‌ای و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با عراق نوین

نقیسه واعظ / استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا

چکیده

این نوشتار کوشیده است بر اساس تلفیقی از نظریه فلیمز در معیارهای رهبری و نظریه میترانی در جبر کارکردی برای همکاری و نظریه سازه‌انگاران مبنی بر تأثیر هنجارها بر رفتار سیاسی کنشگران، کارکرد سفرهای زیارتی شیعیان ایرانی به عراق را بر سیاست منطقه‌ای و روابط ایران و عراق نوین بررسی کند. این نوشتار به روش توصیفی و تحلیلی درصدد طرح این پرسش است که گردشگری مذهبی چه تأثیری بر سیاست منطقه‌ای و روابط خارجی ایران با عراق نوین داشته است؟

فرض پژوهش آن است که با توجه به تأثیر هویت شیعی بر سیاست‌گذاری ایران، سفرهای زیارتی به جبر کارکردی برای همکاری در میان دو کشور و موجب تقویت روابط و ائتلاف ایران با عراق شده، و زمینه‌ساز عملی شدن سیاست اتحادیه اسلامی در خاورمیانه از رهگذر تجربه تعمیق همکاری با عراق خواهد شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد مهم‌ترین کارکردهای سفرهای زیارتی برای سیاست منطقه‌ای و روابط ایران و عراق عبارت است از: زمینه‌سازی سفرهای زیارتی برای همگرایی اسلامی، بازتعریف «هویت اسلامی» و بهره‌مندی از کارکرد سرزمین‌زدایی سفرهای معنوی، تبدیل مرزهای جنگ به مرزهای صلح، جلوگیری از باز طرح اختلاف‌های سیاسی و اتکای جمهوری اسلامی ایران به قدرت نرم در عراق نوین، و اثر معناگرایی زایران بر خشونت‌گریزی و ایجاد صلح در منطقه، و مشارکت در امر بازسازی عراق با تمرکز بر بازسازی عتبات عالیات. با تحلیلی سازه‌انگارانه سیاست و روابط ایران در قبال عراق نوین مبتنی بر تقدّم هنجار بر منافع صورت‌بندی شده است. **کلیدواژه‌ها:** زیارت، گردشگری دینی، سیاست منطقه‌ای، قدرت، ایران، عراق، فرهنگ شیعی.

مقدمه

گردشگری زیارتی یکی از چشمگیرترین اشکال گردشگری در کشورهای اسلامی خاورمیانه و به ویژه سفرهای زیارتی به اماکن مقدّس شیعی ایران و عراق از دیرپاترین و بااهمیت‌ترین الگوهای رابطه فیما بین دو کشور اسلامی ایران و عراق محسوب می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران اشتیاق خود را برای ایجاد اتحادیه جهانی اسلام و به گونه خاص، تشکیل اتحادیه اسلامی در خاورمیانه، بارها خاطر نشان ساخته است و برای رمزگذاری خطوط کلان سیاست و قدرت و ورود در هسته رهبری خاورمیانه، به قدرت فرهنگی و نفوذ معنوی خود در منطقه اتکا دارد. در صنعت نوین گردشگری، که سومین صنعت دنیا در تجارت جهانی است، علاوه بر مبادله ارزی، ارزش‌های اخلاقی با هم مبادله می‌شوند. بنابراین، سیاست‌گذاران فرهنگی ایران در صدد بوده‌اند با راهکارهای متعدد، از جمله گردشگری زیارتی بر مبادله‌های فرهنگی در منطقه اثر بگذارند و از شدت بازدارندگی بکاهند.

این نوشتار به روش توصیفی و تحلیلی در صدد طرح این پرسش است که گردشگری مذهبی چه تأثیری بر سیاست و روابط خارجی ایران با عراق نوین داشته است؟ بنیاد فرضیه پژوهش بر این پایه است که با توجه به تأثیر هویت دینی بر رفتار سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، به ویژه هویت شیعی بر سیاست‌گذاری ایران در قبال عراق نوین، سفرهای زیارتی در کوتاه مدت، به تخفیف نسبی عوامل و آگرا در میان دو کشور شیعی ایران و عراق انجامیده است و در میان مدت، موجب تقویت روابط و ائتلاف ایران با عراق به عنوان عضو مؤثر اتحادیه عرب، و در بلندمدت، زمینه‌ساز عملی شدن سیاست اتحادیه اسلامی در خاورمیانه از رهگذر تجربه تعمیق همکاری با عراق خواهد شد.

بررسی اصطلاحات

از چند اصطلاح در این نوشتار استفاده شده است که پیش از ورود به بحث، ارائه تعریفی از هر یک و طرح فهم از آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد:

الف. زایر - توریست

به نظر می‌رسد «گردشگری دینی» به یک مشترک لفظی تبدیل شده است که هرکس به فراخور فهم خود، مفهومی از آن برداشت می‌کند که الزاماً همسان با استنباط دیگران نیست. در هر حال، از دید این پژوهش، «زایر - توریست» به مسافری گفته می‌شود که برای ملاقات با اشخاص و دیدار از اماکنی همچون مقابر امامان معصوم علیهم‌السلام و امام‌زاده‌ها سفر می‌کند و برعکس سفرهای توریستی، اگر این سفر با مشقت همراه شود نه تنها بازدیدارنده نخواهد بود که گاه نشانی عارفانه بر قبول زیارت از سوی زایر تلقی می‌شود.

ب. گردشگری پاک و گردشگری دینی

تلاش‌هایی از سوی افرادی همچون شاو و ویلیامز (Show & Williams, 1994, p.68) برای تعریف «گردشگر» شده که چون آن‌ها را در ردیف مفهوم «مسافر» تلقی نموده‌اند، نارسا به نظر می‌آید. کوشش‌هایی هم برای تعریف «گردشگر مذهبی» صورت گرفته، اما بیش از تعریف مفهومی آن، به توصیف انگیزه و باور گردشگران دینی پرداخته‌اند. در این نوشتار، منظور از «گردشگر دینی» کسی است که با هدف زیارت و ادای فریضه یا مستحب دینی به زیارت زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس می‌رود. و مقصود از «گردشگری پاک»، آن سنخ گردشگری است که با گناه درهم آمیخته نشود و محدودیتی برای زایر در انجام تکالیف دینی ایجاد نکند و تمام اعمال پیشینی و پسینی آن نیز از نظر قوانین اسلامی مجاز شمرده شود.

ج. جامعه‌شناسی زیارت

مراد از جامعه‌شناسی زیارت مطالعه آن دسته از رفتارهای گروهی و جمعی است که عرفاً آن را «عمل زیارتی» می‌نامند و شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که به رفتار زیارتی جمع به عنوان یک کنش جمعی می‌پردازد. (داوری، ۱۳۸۰، ص ۵۹) از آن رو که زایران شیعی ایرانی به زیارت عتبات عالیات در عراق می‌روند، رفتار زیارتی آنان و علاقه‌ای را که نسبت به هم‌مسلمانان خود در عراق و همدلی با شیعیان عراقی، که سال‌ها به فراموشی سپرده شده بودند، بروز می‌دهند. از منظر جامعه‌شناسی دینی، به‌ویژه شاخه خاص آن، یعنی «جامعه‌شناسی زیارت»، مورد توجه این پژوهش قرار گرفته است.

د. عراق نوین

در این نوشتار، منظور از کاربرد اصطلاح «عراق نوین» دوره زمانی پس از سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ و اشغال عراق به وسیله آمریکا و هم‌پیمانان آن در ناتو به بهانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق است؛ دوره‌ای که با مؤلفه‌هایی همچون ظهور دولت شیعی و بازآفرینی و قدرت‌یابی نهادهای تضعیف شده شیعی (تلاشان، ۱۳۸۹، ص ۳۱) و بروز تمایلاتی برای فدرالیسم در عراق پیوند خورده است. فوری‌ترین پیامد ظهور دولت شیعی در عراق، رشد حوزه‌های ظرفیت‌ساز در سیاست منطقه‌ای ایران، بوده است.

بنیاد نظری پژوهش

ماهیت میان‌رشته‌ای این پژوهش مانع از آن شد که بتوان شالوده کار را بر استناد به یک نظریه بنا نهاد و بنابراین، به نظر می‌رسد با تلفیق چند نظریه ذیل دست‌یابی به اهداف علمی تحقیق پژوهش عملی‌تر خواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران بر اساس آموزه قرآنی «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) و آرمان قرآنی «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ» (انبیاء: ۹۲)، پس از وقوع انقلاب اسلامی، در سیاست خارجی خود تجدید نظر کرد و در صدد برآمد با نگرشی همگرایانه، به تشکیل امت واحد اسلامی بپردازد و از کسری وفاق منطقه‌ای بکاهد و تاکتیک‌های مؤثر برای نیل به این هدف معنوی را بیازماید. از سوی دیگر، پس از خاتمه جنگ سرد، شرایط برای تشکیل قطب‌های قدرتمند منطقه‌ای، یا به تعبیر باری بوزان، «شکل‌گیری منظومه قدرت» (Buzan, Region & Pivers, 1996, p. 42) برای تعدیل فشار قدرت‌های بزرگ فراهم گردید و ایران بر آن شد تا آرمان امت واحد اسلامی را نخست با صورت‌بندی «اتحادیه اسلامی در خاورمیانه» تدارک ببیند و با استناد به نظریه‌هایی همچون میترانی و ارنست هانس مبنی بر پیچیده و فنی‌تر شدن امور و جبر کارکردی برای همکاری میان واحدهای پراکنده سیاسی، به ائتلاف‌سازی با منطقه مبادرت ورزد.

بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای غالباً ظهور یک قدرت منطقه‌ای را با خوشبینی نمی‌نگرند و با تصور احتمال تهدید منافع خود، با نگرانی روند قدرت‌یابی رقبای دنیال می‌کنند. بنابراین، یکی از راه‌ها بر اساس نظریهٔ بوزان، آن است که واحدهای سیاسی به تنهایی درصدد قدرت‌یابی منطقه‌ای برنیایند و همانند تجربهٔ شکل‌گیری ترؤیکای قدرت در اتحادیهٔ اروپا (انگلیس، فرانسه و آلمان) با ورود در هستهٔ رهبری خاورمیانه و ائتلاف با کشورهای هم‌تراز، به اهداف خود نایل شوند و فشار کمتری را در سیر قدرت‌یابی تحمل کنند.

از نظر ماکس شومان، چهار پیش‌شرط مهم ذیل برای قدرت منطقه‌ای شدن ضروری است:

۱. پویایی‌های داخلی برای ایفای نقش پیش‌رو و ثبات‌دهنده؛
 ۲. ابراز علاقه‌مندی به ایفای نقش رهبری؛
 ۳. فراهم‌سازی ظرفیت و توانایی؛
 ۴. پذیرش رهبری آن قدرت در قبال امنیت منطقه از سوی همسایگان. (Schoeman, 1994, p.353)
- دیوید بالدوین مفهوم «قدرتمندی دولت» را با ابعادی همچون عرصهٔ بازیگری اقتصادی و امنیتی و حوزهٔ نفوذ و وزن به معنای «انکارناپذیری قدرت منطقه‌ای در قبال دولت‌های هم‌تراز، تقبّل هزینه و در اختیارگرفتن تمام ابزارها و سازوکارهای اعمال قدرت» (Baldwin, 2002, p. 178-179) توصیف می‌کند.
- اما دانیل فلیمز، که یک پایهٔ نظری این پژوهش بر نظریهٔ او قرار دارد، چهار معیار اساسی ذیل را برای قدرت منطقه‌ای شدن لازم می‌شمارد:
۱. تدوین طرح ادعای رهبری به‌گونهٔ خیرخواهانه؛
 ۲. برخورداری از منابع ضروری مادی و معنوی قدرت؛ سیاست خارجی چنین دولتی باید دارای مضامین اخلاقی و فرهنگی جذاب، قابل قبول و معتبر باشد.
 ۳. به‌کارگیری مناسب ابزارهای سیاست خارجی؛ مانند سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت و اعطای کمک.

۴. پذیرش نقش رهبری توسط دولت‌های ثالث، (Flemes, 1994, p.12-18) که مستلزم رفتار مسئولانه آن دولت است؛ زیرا اگر کشورهای منطقه نپذیرند روند قدرت‌یابی با دشواری همراه می‌شود.

چنان‌که در سطور آینده بحث خواهد شد، ایران به گونه‌ی نسبی از معیارهای چهارگانه مزبور برای قدرت منطقه‌ای شدن برخوردار است.

از سوی دیگر، بر اساس نظریه «هژمونی تعاونی» (Pedersen, 2002, p. 677-696) برخی از دولت‌های قدرتمند منطقه‌ای با ایجاد هویت مشخص برای منطقه، نه تنها انسجام و همگرایی منطقه را تثبیت می‌کنند، بلکه قدرت چانه‌زنی خود را در عرصه فراملی بالا می‌برند. بر این اساس، یکی از نهادهایی که می‌تواند بر سیاست‌گذاری منطقه‌ای ایران کارساز باشد تلاش برای تشکیل «اتحادیه اسلامی در خاورمیانه» است، و در چنان اتحادیه‌ای همکاری و تعمیق روابط با عراق نوین از اولویت‌های خط‌مشی‌گذاری ایران به شمار می‌آید. این در حالی است که در دنیای پس از جنگ سرد، جهان با الگوی جهانی‌سازی شناسایی می‌شود و اراده برای ایجاد اتحادیه‌های گوناگون بیشتر شده است. و از دید نظریه پردازانی همچون ارنست هاس و دیوید میترانی، دولت‌ها دیگر به تنهایی نمی‌توانند با بعضی مشکلات عام مانند آلودگی‌های زیست‌محیطی، جرایم سایبری و کنترل بیماری‌ها مقابله کنند و تلاش یک‌جانبه دولت‌ها معمولاً غیرمؤثر و پرهزینه است. بدین‌رو، لازم است دولت‌ها با یکدیگر همکاری کنند. با وجود برخی مشکلات درباره چگونگی تقسیم هزینه و تقسیم مسئولیت‌ها، هدف‌های ملی را می‌توان تنها از طریق همکاری بین‌المللی به دست آورد.

از دید میترانی، نوعی جبر کارکردی (Mitrany, 1996, p.27) برای همکاری بین کشورها برای رفع مشکلات وجود دارد. دیوید میترانی اعتقاد دارد برای رهایی از فضای ناامن پرهرج و مرج بین‌الملل، دولت ملی باید بعضی از حوزه‌های صلاحیت خود را به نهادهای فراملی واگذار کند. وی معتقد است: که همکاری‌های فنی زمینه را برای فضای همکاری فراهم می‌سازد و زمینه‌ساز موافقت‌نامه‌های امنیتی می‌شود (کلودسه، ۱۳۸۱، ص ۵)

و چنانچه نتایج این سنخ همکاری‌ها در اروپا نشان داده است، امکان دارد اتحاد سیاسی بین آن‌ها به وجود آید. (سیف‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۳۸۷)

با توجه به آنچه بیان شد، یکی از معضلات عموم کشورهای خاورمیانه نداشتن سهم متناسب از صنعت جهانی روبه رشد «گردشگری» است و کشورهای خاورمیانه می‌توانند بر پایه نظریه میترانی برای چاره‌اندیشی در زمینه افزایش سهم گردشگر با یکدیگر همکاری کنند و از پرتو این همکاری، به مرحله عالی‌تر تشکیل «اتحادیه اسلامی خاورمیانه» نایل شوند. از جمله مشکلات خاص بین ایران و عراق نبود امنیت و رفاه و نیز توطئه‌های تروریستی برضد زائران ایرانی در حین سفرهای زیارتی به عراق است. جمهوری اسلامی ایران با همکاری‌های گسترده فنی در زمینه تأمین امنیت و رفاه زائران به گسترش و تعمیق روابط با عراق نوین، که از جایگاه ویژه‌ای در سیاست منطقه‌ای ایران برخوردار است، می‌پردازد.

در نهایت، می‌توان بنیاد نظری تحقیق را علاوه بر دو نظریه میترانی و فیلمز، با نظریه «سازهانگاران» تلفیق کرد. اینان بر این باورند که ساختارهای فکری و هنجاری به اندازه ساختارهای مادی با اهمیت‌اند. (مشیرزاده، ۱۳۸۶، ص ۳۳۵) آنها همچنین اعتقاد دارند: کنش‌ها و رفتارهای سیاسی فرد و جامعه بر اساس هویت و فرهنگ آن جامعه شکل می‌گیرد. (شفیعی، ۱۳۸۹، ص ۵۶) به این اعتبار، خط‌مشی‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق، جزئی از همان راهبرد منطقه‌ای ایران و در بستر همان سیاست ائتلاف‌گرایی و همسایه‌گرایی و تلاش برای ارتقای قدرت منطقه‌ای (بحرانی، ۱۳۹۱، ص ۳۲) معنا و تفسیر می‌شود، با این تفاوت که در ایران فرهنگ دینی، از غنای خاصی برخوردار است و هویت دینی پس از انقلاب اسلامی به رفتار و کنش‌های سیاسی کشور در عرصه سیاست خارجی معنای ویژه بخشیده است. از دید این نوشتار و با تحلیلی سازهانگارانانه از موضوع بحث، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که به اقتضای تمناهای مذهبی در داخل کشور برای زیارت از اماکن مقدس عراق و به سبب هنجاری قوی به نام «زیارت کردن»، سیاست و روابط ایران در قبال عراق نوین مبتنی بر تقدّم هنجار بر منافع صورت‌بندی شده است.

اهداف و ضرورت‌های قدرت منطقه‌ای شدن ایران در دوران پساجنگ سرد

جمهوری اسلامی ایران برای تضمین خواست استقلال‌خواهی خود، تلاش برای قدرت‌یابی در منطقه را گریزناپذیر می‌داند و به این مهم به صراحت، در سند چشم‌انداز اشاره شده است. در این سند، منظور از «برتری منطقه‌ای» کسب جایگاه اول در زمینه‌های اقتصادی، علمی و فناوری (رضایی، ۱۳۸۵، ص ۶۵) برشمرده شده است. تلقی «برتری» با وصف مزبور، بیش از هر چیز نشانگر آن است که اولاً، جمهوری اسلامی ایران، هم از حیث راهبردی و هم ژئوپلیتیکی، قصد کشورگشایی یا افزایش قلمرو مرزی و ارضی در هیچ نقطه‌ای از منطقه را ندارد. ثانیاً، رویکرد آشکار اقتصادی، علمی و فناوری جمهوری اسلامی ایران نشان داده که در صدد نفی سیاست‌های جنگ‌طلبانه، دامن زدن به مسابقات تسلیحاتی و تجميع سلاح‌های مخرب در منطقه است.

بنا به این نگرش، اتخاذ خط‌مشی قدرتمندی با خمیرمایه دینی نه تنها یک نیاز، بلکه یک ارزش تلقی می‌شود و پاسخ به یک درخواست ملی و ضرورتی برای جلوگیری از تکرار رخدادهای تاریخی تلخ در آینده خواهد بود.

دیگر دلایلی که تاکنون برای ضرورت ارتقای قدرت ایران مطرح شده عبارت‌اند از:

الف) عرفی‌گرایی و بازتعریف منافع با رویکرد همکاری‌گرایی منطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران در دو نظام تابع خلیج فارس و آسیای مرکزی قرار گرفته و برای برون‌رفت از این وضعیت، عقلانیت سیاسی به خروج از فشار منطقه‌ای در قالب ائتلاف‌گرایی و ظاهرشدن در تراز یک قدرت منطقه‌ای حکم می‌کند.

در دوران پس از جنگ سرد، مجالی برای ایران فراهم آمد تا در نگرش خود به سیاست خارجی، با عنایت به نظریه‌هایی همچون نظریهٔ میترانی تجدید نظر کند و دریابد که حضور نداشتن در نهادهای بین‌المللی به زیان ایران است و همین آستانهٔ آسیب‌پذیری کشور را افزایش می‌دهد و برای بازسازی اوضاع حاصل از دگرگونی‌های انقلاب و جنگ و برای افزودن بر توان اقتصادی ایران، نیازمند همکاری با نهادهای اقتصادی دنیاست. بدین‌روی، به انعطاف در قبال محیط بیرونی اقدام نمود.

برای مثال، ایران با تجدیدنظر در سازمان عمران منطقه‌ای در قالب «آکو» (بابل‌یس، ۱۳۸۳، ص ۳۱۹)، همکاری منطقه‌ای خود را با کشورهای آسیای مرکزی گسترش داد. از دیگر بازنگری‌های ایران آن بود که تلاش کرد تا به جای مواجهه مستقیم با آنچه «نظام ناعادلانه بین‌المللی» می‌دانست، اهداف خود را در چارچوب قواعد بازی بین‌المللی دنبال کند. بنابراین، ایران در نخستین مرحله، در صدد رفع تیرگی‌های روابط با عربستان و برخی از کشورهای اروپایی (رحمانی، ۱۳۷۵، ص ۷۷) برآمد تا از حجم فشار آمریکا بر ایران بکاهد و با درپیش گرفتن سیاست ائتلاف‌گرایی و توازن‌سازی چندسویه، راهبرد خود را در دهه‌های آتی تعریف و برای تحقق آن در فضای بین‌المللی، که در هر حال برای کشوری همچون ایران «محدودیت‌محور» بوده تا «مطلوبیت‌محور»، (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۷، ص ۴۶) اقدام کند.

ایران با درپیش گرفتن آموزه اسلامی «مؤلفه القلوب» به مقدار قابل توجهی نگرش منفی منطقه را به مثبت‌گرایی درباره اهداف منطقه‌ای ایران تغییر جهت داد. کمک‌های ایران به افغانستان و عراق نشان داد که ایران می‌تواند در قواره قدرتی در منطقه ظاهر شود که امنیت دسته‌جمعی و امنیت همسایگان را عین امنیت خود تلقی کند.

ب) بازتولید قدرت اسلامی و ایرانی، امنیت‌سازی و متوازن‌سازی

از دیگر اهداف ایران، امنیت‌سازی است؛ به این معنا که ماهیت امنیت نسبی، ذهنی و تجزیه‌ناپذیر است (بصیری، ۱۳۷۹، ص ۷۱) و امنیت مطلق حاصل شدنی نیست. بدین‌روی، یکی از راه‌های قدرت منطقه‌ای شدن، تأمین امنیت و ایجاد ضمانت برای پیشرفت‌های کشور است.

همچنین، از دید برخی از تحلیلگران، ایران تنها کشوری است که با مجموعه خصوصیات متمایز و برتری‌های ساختاری در سطح منطقه، قدرت تضادسازی دارد و برای ایران ضروری است که به برتری‌های موقعیتی دست یابد. اگرچه ایران می‌تواند از قدرت تضادسازی خود به گونه‌ای تلافی‌جویانه برای به بن‌بست کشاندن منطقه بهره‌بردارد، اما، بالعکس ایران سعی نموده موقعیت خود را با شریک‌سازی کشورهای معتبر همسایه مانند عراق ارتقا دهد.

عوامل مساعد و محدودیت‌های قدرت منطقه‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین زمینه‌های مساعد برای قدرت منطقه‌ای شدن ایران عبارت است از: پشتوانه ایدئولوژیک و فرهنگ غنی اسلامی - شیعی و انقلابی (توال، ۱۳۸۲، ص ۲۴)، اراده جمهوری اسلامی ایران برای تحقق آرمان‌های نبوی و علوی در سیاست خارجی معناگرایانه خود، قابلیت‌های تاریخی، اهمیت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران، کمیّت و کیفیت جمعیت، برخورداری از ذخایر استراتژیک نفت و گاز و معادن متنوع، و بهره‌مندی از گنجینه‌های ارضی و فوق‌الارضی.

اما این پژوهش با هدف آسیب‌شناسی و برنامه‌ریزی برای رفع یا تقلیل فشار عوامل بازدارنده، بیشتر به محدودیت‌های ایران توجه دارد. یکی از عواملی که تاکنون به گونه سلبی در راه ارتقای قدرت ایران ایجاد مانع کرده «واگرایی در خاورمیانه» است که به نوعی ایران را برای مساعدسازی شرایط در منطقه و عملی‌سازی راهبرد خود در عراق با مشکل مواجه کرده است و تا تقلیل نسبی آن شرایط، اثر تعویقی بر اهداف ایران ایفا خواهد کرد. برخی از این ناهمسازی‌ها از دید این پژوهش عبارتند از:

دوگانه‌گرایی رژیم‌های سیاسی با دو ساخت متناقض سنتی و مدرن؛ منازعه‌های مرزی؛ رشد ایدئولوژی‌های افراطی در منطقه، مانند سلفی‌ها که ایران را غیرخودی و بزرگ‌ترین فتنه معاصر تلقی می‌کنند (باقرنژاد، ۱۳۸۹، ص ۵۶)؛ طالبانیسم؛ و برخی موانع ساختاری مانند ناکارآمدی نهادهای منطقه‌ای؛ ناتوانی در مدیریت بحران‌ها؛ ضعف زیرساخت‌های لازم برای همگرایی منطقه‌ای؛ درجات پایین توسعه‌یافتگی؛ و عضویت در پیمان‌های ناهمسو و متضاد که از بنیاد، ساختارهای امنیتی متناسب با اتحادیه منطقه‌ای را دچار اختلال می‌سازد. از همه مهم‌تر، شکنندگی امنیت در خاورمیانه، ایران را از داشتن بستری لازم برای تحقق هدف محروم می‌سازد.

برخی بدبینی‌ها به سیاست منطقه‌ای ایران به مانعی ذهنی در پذیرش قدرت ایران تبدیل شده است. هالیدی، بدبینی دولت‌ها به سیاست منطقه‌ای ایران را این‌گونه بیان می‌کند: ایران مثل دیگر کشورهای انقلابی، در ورای بیان جهان‌گرایانه، به دنبال منافع ملی است و از کمک‌های بین‌المللی برای پایان تاکتیکی کار استفاده می‌کند. (Haliday, 1999, p. 127)

از دیگر موانع ذهنی بازدارنده در سیر سیاست «اتحادسازی در خاورمیانه»، ذهنیت منفی دربارهٔ اتحادیه‌سازی (Vaez, 2011) به خاطر تجربه ناکامی‌های جریان اتحاد اسلامی و بیهوده شمردن اندیشهٔ اتحاد در گذشته بوده است. به تعبیر منسفیلد، اتحادیه در حکم نوزادی بود که مرده متوگد شده بود. (همان، ص ۳۶۹)

از دیگر ذهنیت‌های منفی، می‌توان به مترادف‌شماری اسلام ایران با اسلام طالبانی (طالبان، ۱۳۷۹، ص ۳۰۶) و افراطی‌های اسلامی اشاره کرد که از پذیرش قدرت اول شدن ایران، خودداری می‌کند.

با وجود آنکه با پایان نظام دوقطبی، شرایط برای منطقه‌گرایی مساعد شد، ولی از نظر ذهنی، ساختار و نظام‌های موجود در خاورمیانه برای منطقه‌گرایی آماده نبود؛ زیرا همچنان دغدغهٔ منطقه بقا (یزدان فام، ۱۳۸۸، ص ۱۷) و امنیت است و این مانع اندیشیدن به افق وسیع‌تر همکاری می‌شود.

حکومت‌های منطقه با چالش‌هایی همچون بی‌ثباتی حکومت‌ها و بحران مشروعیت (سیمپسون، ۱۳۸۸، ص ۱۴۹) روبه‌رو هستند و در سیاست خارجی آن‌ها، ملاحظه‌های امنیتی از اولویت بیشتری برخوردار است و به همین سبب، کمتر به همکاری با یکدیگر رغبت نشان می‌دهند و بیشتر با قدرت‌های بیرون از منطقه همکاری دارند.

ایران به عنوان کشور غیرعربی نتوانسته است اعتماد عرب‌ها را به خود جلب کند و عمیق‌ترین بی‌اعتمادی در حوزهٔ خلیج فارس، مابین ایران و کشورهای این حوزه است.

کشورهای حوزهٔ خلیج فارس، ایران را به عنوان کشوری توسعه‌طلب در دورهٔ پهلوی و محل امنیت پس از انقلاب (هالیس، ۱۳۷۲، ص ۱۹) به‌شمار می‌آورند و این تلقی از رفتار سیاسی ایران به ضرر اهداف منطقه‌ای ایران است. حتی با وجود ارسال نشانه‌های دوستی از سوی ایران - برای مثال، در اظهار تمایل آشکار به ورود در ترتیبات امنیتی از طریق شورای همکاری خلیج فارس (امیراحمدی، ۱۳۷۸، ص ۵۴) - باز با ترش‌رویی و تردید در منطقه مواجهه شده است. به گونهٔ مستمر، ایران با بدگمانی رویه‌های منطقه‌ای و چندگانگی و ناهمگنی‌های معمول سیاست خارجی کشورهای انقلابی (Haliday, 1991, p. 131) روبه‌رو بوده است.

در هر حال، این ذهنیت که ایران می‌خواهد در منطقه سلطه‌گری کند نه رهبری (برژینسکی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۴) در سیر قدرت‌فزونی ایران بازدارندگی ایجاد می‌کند. اگر تلقی تهدیدگر بودن ایران را، که ریشه در تعارض‌های ساختاری واحدهای پیرامونی ایران دارد، بر جمیع ذهنیت‌های منفی اضافه کنیم، آنگاه وضعیت پیچیده ایران در منطقه روشن می‌شود. برداشت‌های نادرست جریان سلفی از مقاصد ایران، آفتی برای قدرتمندی ایران گردیده است؛ زیرا سلفی‌ها بر این باورند که ایران دشمنی است که باید با آن مقابله شود و حتی خطر ایران را در منطقه بدتر از غرب دانسته و آن را مصداق آیه شریفه «و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه» می‌دانند.

برای نمونه و با توجه به تأکید خاص این نوشتار بر تحولات عراق نوین، لازم به یادآوری است که هرگونه منازعه میان ایران و همسایگان مانعی جدی بر سر پذیرش تفوق منطقه‌ای ایران در منطقه خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران وارث منازعه‌های درازمدت و تاریخی است که به صورت متوالی بر پیچیدگی آن افزوده شده. تنها نگاهی به نقشه جغرافیای سیاسی ایران، نشان از آن دارد که حل و فصل منازعه‌ها از ضرورت‌های اساسی برای قدرت منطقه‌ای شدن ایران است. ایران از دوره صفویه به این سو، میراث یک اختلاف تاریخی بر سر اروندرود را بر دوش حمل می‌کرد؛ چنان‌که در هنگام استقلال عراق، ایران تصمیم گرفت تا زمانی که عراق حقوق ایران را در اروندرود به رسمیت نشناسد، ایران نیز از شناسایی عراق خودداری کند، (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ص ۹۷) اما این تاکتیک هم به نتیجه نرسید و ایران و عراق پس از آن، ده‌ها پیمان مرزی امضا کردند که آخرین آن عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر بود. اما کشمکش‌ها ادامه یافت که آخرین آن‌ها خود را در شکل جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران نشان داد.

این منازعه دامن‌دار همواره خطر تبدیل منازعه فی‌مابین به یک منازعه عربی و عجمی را در کمین دارد که در پی آن، جو ناپایدار امنیتی پدید خواهد آمد که قدرت‌یابی بیشتر ایران را به تأخیر می‌اندازد؛ به‌ویژه اگر دولتی با ماهیت اقتدارگرا در عراق روی کار بیاید و موضوع کهنه اروندرود را باز طرح کند، استراتژی ایران در قدرت منطقه‌ای شدن را با تأخیر روبه‌رو می‌سازد و روابط با عراق را تنش‌آلود خواهد کرد.

معناگرایی در سفرهای زیارتی

در سفرهای مذهبی، معناگرایی و خداجویی از اهداف بنیادین به شمار می‌رود. یکی از فلسفه‌های سفر از دیدگاه امام علی علیه السلام گام نهادن در اصلاح آخرت (یعقوبی، ۱۳۷۶، ص ۶۳) برشمرده شده است.

تخفیف‌بخشی به آلام، ترس‌ها و تهدیدها از جمله انگیزه‌های سفرهای زیارتی در همیشه تاریخ زندگی بشر بوده است. شهر آسمانی مکه، کربلای معلّا و نجف اشرف در عراق، بیت المقدس در فلسطین، فاطیما در پرتغال، و واتیکان در رم از جمله اماکنی هستند که گردشگران دینی با هدف‌های خداجویانه رهسپار زیارت آن اماکن می‌شوند.

از دید زائران، اماکن مقدّس نقطه اتصال دنیای مادی با عالم معناست. در نگرش معنویت‌جویانه، زائر باور دارد پیامبر یا امامی که او به زیارتش رفته، گرچه از حواس ظاهری پنهان است، اما حضور در حرم به معنای حضور در مجلس امامان است. از دیگر اهداف زیارت، به دست آوردن نشاط معنوی است.

در آیات شریفه ذیل، نه تنها پیشنهاد به گردشگری، برای عبرت‌آموزی ذکر گردیده، بلکه حتی در برخی آیات، به سیر و سیاحت امر شده است. برای نمونه:

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نمل: ۶۹)؛

«قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ» (آل‌عمران: ۱۳۷)؛

- و به گونه سرزنشی و پرسش‌آمیز، در این آیه آسمانی آمده است: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكُنُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً» (فاطر: ۴۴)؛ آیا سفر نمی‌کنید تا از فرجام کار قدرتمندان آگاه شوید.

- همچنین در سوره‌های مبارکه روم: ۹؛ یوسف: ۱۰۹؛ محمد: ۱۰؛ و غافر: ۸۲ همین لحن پرسشی و در عین حال، تشویق‌آمیز برای سفر تکرار شده است.

در قرآن، مسلمانان به گردش با هدف لذت بردن از آفریده‌های خداوند و تبلیغ کلام خدا و تبادلات فرهنگی تشویق شده‌اند.

قرآن کریم شفاعت‌جویی و توسل را در فرهنگ زیارت تأیید کرده است؛ همان رفتار زائران ایرانی که بارها از سوی وهابی‌ها و سلفی‌ها شماتت و سیاه‌نمایی (چه‌ل تنی، ۱۳۸۹، ص ۴۴) شده است، و حال آنکه در سوره مبارکه یوسف، آیه ۹۸ «قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ»

رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» آمده است: گفت: به زودی از درگاه خدا برای شما آمرزش می‌طلبم که او بسی آمرزنده و مهربان است. در این آیه، توسل جویی به مثابه دستور قرآنی ذکر شده است.

اثرات انقلاب اسلامی بر صنعت گردشگری در ایران

پس از انقلاب اسلامی، به علل گوناگون و از جمله پاسداشت وجهه حکومت دینی و تأثیر فرهنگ شیعی بر سیاست‌گذاری، روند ابراز وفاداری به تشیع با ویژه‌سازی خط مشی برای اماکن زیارتی، شتاب گرفت.

در محیط ملی ایران پس از سال ۱۳۵۷، دگرگونی‌های اساسی در نظام تصمیم‌گیری درباره گردشگری صورت گرفت که برخی از مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در نمونه‌های ذیل برشمرد:

۱. التفتات و سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری دینی

در ابتدای انقلاب، نه تنها به گردشگری، به عنوان صنعتی در آمدزا نگاه نمی‌شد، بلکه در یک نگاه با حداقل منفی‌گرایی، آن را حرفه‌ای تجملی و در نگاهی با حداکثر منفی‌گرایی، آن را عاملی برای ترویج فساد و بی‌بندوباری و حتی گاهی فراتر، هدف آن را جاسوسی قلمداد می‌کردند. و گردشگری در برنامه‌های اول و دوم توسعه، در جایگاه یکی از حوزه‌های شکننده و پرمشکل بخش فرهنگ قرار گرفت. (تحلیل چالش‌های بخش گردشگری، مجلس و پژوهش، سال یازدهم، ص ۲۶)

گذشته از آن، به دلایل دینی، برخی از ممنوعیت‌ها بر نوعی از گردشگری - مثل گردشگری ساحلی - ایجاد شد. در شرایط تحریم و انزوای ایران، به‌ویژه در دهه اول، یکی از محدود راه‌های مورد تأیید حکومت برای رابطه با جهان، سفرهای زیارتی بود. این در حالی بود که در سال‌های بعد، برای مثال در سال ۲۰۰۰ که تعداد گردشگران جهان به قریب ۶۶۱ میلیون و در سال ۲۰۰۱ به حدود ۹۰۰ میلیون رسید (www.wto.org/world_tourismOrganization) باز هم ایران سهم ناچیزی از این سرمایه سرگردان جهانی را به خود اختصاص داد، و از آن سو نیز عمده گردشگرانی که به ایران جذب شدند زائر - توریست بودند.

تبدیل ارزش‌های حاکم بر جامعه به ارزش‌های دینی در دوران پس از انقلاب، سبب شد حکومت به سفارش‌های اسلامی درباره سفر و اهمیت زیارت قبور امامان شیعی ترتیب اثر دهد و احادیث نبوی و علوی درباره مرمت مقابر امامان شیعی را ملاک سیاست‌گذاری خود در قبال اماکن مقدس قرار دهد.

آیات شریفه‌ای همچون «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ» (آل عمران: ۱۳۷) (پیش از شما سنت‌هایی بوده است. پس بر روی زمین بگردید.) تکلیفی برای حکومت اسلامی ایجاد می‌کرد تا زمینه این تدبیر را از طریق ساده‌سازی سفر، که در سفرهای زیارتی بیشتر قابل تحقق است، فراهم کند.

پس از انقلاب، سیاست‌های تشویقی از سوی نهادهایی همچون دانشگاه‌ها عمدتاً با بسته فرهنگی سفر زیارتی به مشهد یا حج یا عتبات عالیات صورت می‌پذیرد. اعضای تیم ملی، استادان، دانشجویان، کارمندان و کارگران منتخب با بسته زیارتی تشویق می‌شوند.

۲. نمایش سیاست ضدغربی و خردانگاری اثرات مثبت گردشگری

سیاست‌گذاران پس از انقلاب، در برخی مقاطع، به گونه سلبی، سیاست ضد غرب را با «نه» گویی به توریسم غیرمذهبی به نمایش گذاشتند. برای مثال، در مارس ۲۰۰۶ نمایشگاه بین‌المللی با قدمتی ۴۰ ساله در برلین با حضور شرکت‌کنندگانی از ۱۸۰ کشور دنیا در آلمان برای تبادل اطلاعات و برقراری ارتباطات تجاری، فرهنگی و گردشگری برقرار شد. و با وجود افزایش سهم ۳۵ درصدی عرب‌ها و حتی حضور افغانستان برای نخستین بار، اما ایران غایب بزرگ آن نمایشگاه بود.

از سوی دیگر، برخی سیاست‌گذاران با تخصیص اعتبارات ناکافی، طرح‌های کارشناسی نشده، از کارآمدی این صنعت در برخی برهه‌های پس از انقلاب کاسته‌اند. این در حالی است که اگر جمهوری اسلامی ایران بتواند زیرساخت‌های لازم و کافی برای جذب ۱۲ میلیون گردشگر را در سال فراهم کند (پیران، ۱۳۹۰، ص ۱۴) درآمد حاصل از هر گردشگر بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ دلار است که این بیش از ارزش ده‌ها بشکه نفت خواهد بود و از اتکالی به درآمد نفت، که خود یکی از موانع بازدارنده تبدیل ایران به قدرت منطقه‌ای است، رها خواهد شد.

۳. مینا و معیار قراردادن خط‌مشی‌گذاری برای توسعه شهری با توسعه اماکن مقدس برای نمونه، آستان قدس رضوی پس از انقلاب اسلامی، به معیار یکی از عالی‌ترین الگوهای توسعه‌یافتگی شهری در ایران تبدیل شده است، به‌گونه‌ای که ابعاد مباهات‌آمیز پیشرفت‌های فناوریانه در شهرسازی برای نخستین بار در این مکان، ظهور پیدا کرده است؛ گلابچی سرپرست تأسیسات آستان قدس در مصاحبه با نگارنده اظهار داشت: دستگاه‌های تهویه مطبوع برودت‌ی با در نظر گرفتن میزان مصرف انرژی و کاهش آلاینده‌گی و طراحی منحصر به فرد آن در آستان مقدس حضرت رضا علیه السلام طراحی شده است و از چیلرهای جذبی دو مرحله‌ای استفاده شده است. این چیلرها قادرند حتی در شرایط ۲۰ درصد دمای خروجی، آب را با دقت بسیار کنترل کنند. (گلابچی، ۱۳۸۶)

کارکردهای مثبت سفرهای زیارتی بر سیاست‌گذاری و روابط ایران با عراق نوین سفرهای زیارتی فیما بین دو کشور همسایه مسلمان ایران و عراق برای سیاست ائتلاف‌گرای منطقه‌ای ایران به‌طور اعم و بر روابط ایران با عراق نوین بسترهای متنوع سیاسی ذیل را فراهم آورده است:

الف. تبدیل مرزهای جنگ به مرزهای صلح

خطوط مرزی ایران و عراق، که در طول هشت سال جنگ، یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم را در خاطره خود داشت، پس از پایان جنگ و به‌ویژه در سال‌های پس از سقوط حکومت توتالیتار و توطئه‌پرداز (آرنت، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸) صدّام، به مرزهایی برای آمد و شد زایران تبدیل شد.

این خطوط مرزی، که یادآور خاطرات جنگ ایران و عراق و گوشه گوشه آن به خون عزیزترین گل‌های این مرز و بوم آغشته است، اگر محض شوق زیارت وجود مقدس امامان شیعی نبود، مرزهایی آشوب‌زا تلقی می‌شد که بذره‌های کینه را تا قرن‌ها در خود می‌پراکند. اما نه تنها چنین نشد، بلکه خانواده‌های بزرگوار شهدا با داغی عمیق بر دل، سراسیمه رهسپار زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السلام می‌شوند تا در صحن‌ها و رواق‌های نورانی و

آرامش‌بخش امامان شیعی اندوه بی‌پایان از دست دادن گلگون‌کفنان خود و مجروحان و جان‌بازان جنگ زجرهای ناگفتنی و دردهای فروخته‌شده خود را با آن وجودهای مقدّس بازگویند و بدین‌سان، خاطره سفر پر جذب و شهود زیارت به عتبات عالیات، جایگزین خاطرات کینه‌زای جنگ می‌شود.

بر این اساس، اگر نبود عشقی که زائران شیعی ایران برای سفر به عتبات عالیات دارند و در این راه سختی‌ها را تحمل می‌کنند، ایران برای عادی‌سازی روابط با عراق، مشکلات فراوانی پیدا می‌کرد و کم‌اثرسازی کینه‌های ناشی از جنگ به سال‌ها زمان نیاز داشت و همین امر رهبری ایران را در منطقه با دشواری مواجه می‌ساخت.

یکی از کارکردهای سفرهای زیارتی برای ایران و عراق تبدیل مرز سیاسی و جنگ و پرخاشگری به مرز فرهنگی و صلح و معنویت، به‌ویژه پس از سقوط صدام است که عراق از یک دشمن راهبردی (برزگر، ۱۳۸۶، ص ۵۵) به یک همکار منطقه‌ای برای ایران تغییر وضعیت داده است. فقط در سال ۱۳۸۹ روزانه قریب دو هزار زائر برای زیارت عتبات عالیات از ایران به عراق و همچنین از عراق به ایران برای زیارت امام رضا علیه‌السلام و حضرت معصومه علیها‌السلام سفر کرده‌اند.

پژوهشگرانی که درباره اثر دین بر هویت تحقیق کرده‌اند بر این باورند که دین و ارزش‌های دینی (تراسبی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲) مثل زیارت کردن، توانایی تشویق صلح را دارند. درستی این دیدگاه را می‌توان در تأثیر سفرهای زیارتی در تنش‌زدایی و صلح‌گرایی در روابط ایران و عراق پس از جنگ تحمیلی و پس از سقوط صدام مشاهده کرد. این در حالی است که رخدادهای بسیار کم‌اهمیت‌تر از این دو فاجعه می‌توانست به سال‌ها کینه‌ورزی میان دو کشور منجر شود و راه را بر هر نوع رابطه صلح‌آمیز مسدود سازد.

ب. تداوم روابط و ممانعت از باز طرح اختلاف‌های گذشته ایران و عراق

ایران و عراق پس از انقلاب اسلامی دوره تنش‌آلودی را در روابط سپری کردند که در نهایت، به جنگی طولانی (مار، ۱۳۸۰، ص ۴۵۲) انجامید. اما سفرهای زیارتی به اماکن مقدّس شیعی دو کشور، به بروز کامل اختلاف‌های سیاسی مجالی نداد و پرخاشگری‌های

معمول سیاسی تحت الشعاع همکاری برای سامان‌دهی به سفرهای زیارتی قرار گرفت و گردشگری زیارتی سبب شد روابط تنش‌آلود سیاسی دو کشور برخلاف قواعد جاری در نظام بین‌الملل، به انقطاع کامل روابط نینجامد؛ چنان‌که در کوبا نیز وقتی روابط این کشور با غرب دچار تنش و گاه به شدت محدود می‌شد، گردشگری در کنار ماهی‌گیری و فعالیت‌های علمی و فنی (مختاری، ۱۳۸۶، ص ۷۱) جزء موارد استثنای روابط قلمداد شد و حتی فیدل کاسترو انقلابی با وجود بیزاری از گردشگران - به زعم او - فاسد، ناگزیر شد در واکنشی انعطاف‌آمیز به نابسامانی‌های اقتصادی، درهای کوبا را به سوی گردشگران باز گذارد.

در این سوی دنیا نیز دو کشور ایران و عراق به خاطر سازمان‌دهی سفرهای زیارتی، به ساخت مجموعه‌های گردشگری و بین‌راهی و مساجدی مانند «مسجد راه کربلا» در بناب اقدام نمودند که در مسیر جاده مواصلاتی شهرهای عراق واقع شده و هر ساله شمار بسیاری از زائران ایرانی و شیعیان کشورهای همجوار برای زیارت عتبات عالیات از این مسیر عبور می‌کنند (www.mehrnews.com.1391) نهادهای ویژه گردشگری دینی مانند «شرکت مرکزی خدمات» (شمسا)، و نهادهای خاصی همچون «ستاد بازسازی عتبات عالیات» شعبه‌هایی در دیگر کشورها (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۷) ایجاد کرده‌اند و گردهمایی‌های متعددی برای همکاری فی‌مابین مقامات دو کشور صورت داده‌اند.

همچنین دو کشور به برگزاری «کمیته مشترک فنی گردشگری» در فروردین ۱۳۸۸ و کوشش‌هایی برای سامان‌دهی قبرستان مقدس «وادی السلام» اقدام کردند، و مسئولان خزانه حرم مطهر حضرت امیر علیه السلام ماجد الخطیب و سلام قاسم محمد، برای حفاظت و مرمت آثار تاریخی موجود در حرم ائمه مدفون در عراق در آبان ۱۳۸۸ به ایران آمدند که همگی ناظر بر اراده جمهوری اسلامی ایران و عراق نوین بر سرمایه‌گذاری در زمینه گردشگری به عنوان محور وحدت‌بخش روابط است.

گفت‌وگو درباره سامان‌دهی سفرهای زیارتی به عنوان راه‌کاری برای تقویت روابط فی‌مابین، به یک قاعده رفتاری در دیپلماسی دو کشور ایران و عراق نوین تبدیل شده است.

برای نمونه، در اجلاس سران کشورهای عضو جنبش غیرمتعهدها هوشیار زیباری و حسن دانایی‌فر دو طرف راه‌های تقویت روابط دوجانبه و از جمله اعطای روادید به زائران دو کشور را بررسی کردند (اعتماد، چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۱، ۱۹ رمضان ۱۴۳۳، ص ۳) و تفاهم‌نامه‌ای در این باره امضا نمودند. در نتیجه، در سال ۱۳۹۰ ایران یک و نیم میلیون زائر به عتبات فرستاد. (www.isna.ir/fa/news/22/5/1391)

نتیجه همکاری برای امور زائران، به برخی از همکاری‌های جنبی دیگر با عراق - برای نمونه، انعقاد موافقت‌نامه دوجانبه برای مقابله با قاچاق (الخفاف، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸) اموال فرهنگی و تاریخی در مرداد ۱۳۸۸ و استرداد اشیای قاچاق و ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی میان دو کشور و برگزاری نمایشگاه صنایع دستی و گردشگری ایران در شهر سلیمانیه عراق در اردیبهشت ۱۳۸۹ و توسعه و رونق امور اقتصادی و اجتماعی شهرهای مرزی - انجامیده است و دو کشور پیشنهادهایی درباره تولید و پخش برنامه‌هایی درباره جاذبه‌های گردشگری استان ایلام به زبان عربی، و توسعه همکاری‌های گردشگری - درمانی از سوی مرکز جراحی نیمه شعبان مطرح کردند.

بنابراین، یکی از کارکردهای سفرهای زیارتی، زمینه‌سازی آن‌ها برای دستیابی به تفاهم منطقه‌ای، به‌ویژه میان ایران و عراق با وجود تنش‌های پایدار سیاسی در گذشته است.

ج. اتکا به قدرت نرم در عراق

برخورداری از قدرت نرم در ساختار سیاسی سبب کاهش هزینه‌ها شده و این رویه غالباً توسط دانشوران و سیاست‌گذاران اخلاق‌گرا ترویج می‌شود. (امام‌زاده‌فر، ۱۳۸۹، ص ۴۲) جوزف نای در تعریف این قدرت نوین اظهار می‌دارد: «قدرت نرم» یعنی: توانایی شکل‌دهی به ترجیح‌های دیگران از راه اقتناع، نه از راه اجبار کارکرد. این قدرت به‌گونه‌ای است که در بسیاری از موارد، قدرت از نوع سختش از انجام آن عاجز می‌ماند. (Nye, 1990, p. 26) از نظر جوزف نای، جاذبه فرهنگی، ایدئولوژی و نهادهای بین‌المللی در رده منابع قدرت نرم (نای، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴) قرار دارد. از نگاه این پژوهش، یکی از جاذبه‌های فرهنگی ایران، سیاست‌گذاری بر پایه خمیرمایه و ماهیت غالب فرهنگی دینی - برای نمونه، درباره

گردشگری - است؛ زیرا به سبب تغییر در سیاست بین‌الملل، شکل‌های غیر ملموس قدرت نرم اهمیتی روزافزون یافته است.

ایران بر پایه تعریف جوزف نای، توانایی شکل‌بخشی به اولویت‌های عراق و به‌ویژه از قدرت متقاعدسازی شیعیان عراق برخوردار است. (Nasr, 2004, p. 22)

ایران به اذعان نشریه‌های غربی از نفوذ معنوی در منطقه برخوردار است؛ زیرا توانسته این باور را پدید آورد که ایران توانایی ایستادگی در قبال غرب و نقد و تهدید غرب (اینترنشنال نیوز، ۱۲ دی ۱۳۸۵) را داراست. ایران - دست کم - از رهگذر سازمان‌دهی و همکاری در امور زایران شیعی، قادر به اثرگذاری بلامنازعی بر فرایند تصمیم‌سازی در خط مشی‌گذاری‌های عراق است.

نگارنده در سفر زیارتی به عتبات عالیات، که مقارن با انتخابات عراق برای انتخابات مجلس بود، شاهد عینی همسانی‌های بسیار در نحوه تبلیغ و رفتار انتخاباتی عراقی‌ها با رفتار انتخاباتی در ایران، به‌ویژه در شیعیان عراق، بخصوص عراقی‌های پناهنده به ایران، بود. تحلیل‌ها و تعبیر سیاسی خط‌مشی‌گذاران حاکمان ایران وارد ادبیات سیاسی عراق شده است و این امر می‌تواند نشانگر قدرت نرم و متقاعدکننده ایران در جهت‌دهی به افکار عراقی‌ها به شمار آید.

همچنین ایران قادر به اعمال قدرت نرم از طریق معاودان عراقی، عراقی‌های عضو «سپاه بدر» که برخی شاغل در بخش روابط خارجی آستان قدس رضوی هستند، و اعضای «حزب‌الدعوه» و تورگردانان عراقی سفرهای زیارتی به ایران است. در طول جنگ ایران و عراق، صدّام حسین اقدام به بازگرداندن شیعیان ایرانی تبار (آقاجانی، قناد، ۱۳۸۸، ص ۶۷) به ایران کرد و ایران از قریب ۶۵۰۰۰۰ آواره عراقی، که با نام «معاودان» در ایران شهرت داشتند، پذیرایی نمود و با آنان چونان بدنه جامعه شیعی در جهان اسلام با سعه صدر رفتار کرد و اینگونه رفتار از خاطر و یاد عراقی‌های ایرانی تبار، که پس از فروپاشی قدرت صدّام به عراق بازگشتند، نرفت و بنا به این ملاحظه، ایران قادر است بدون نیاز به کاربرد قدرت سخت، به خواست‌های خود در عراق با متقاعدسازی آنان برسد.

با توجه به فقر قابل توجه فرهنگی و اقتصادی، که فقط نرخ تورّم در عراق در اواخر ۲۰۰۵ به ۴۰ درصد و در اواخر ۲۰۰۶ به رقم ۵۰ درصد رسید (قربانی، ۱۳۸۷، ص ۴۵)، عواید فرهنگی و اقتصادی ناشی از رشد سفرهای زیارتی ایرانی‌ها به عراق نوین، سبب اعتبار یافتن جمعیت شیعی عراق و زمینه‌ساز اعمال نفوذ ایران بر فرایند سیاست‌گذاری در عراق خواهد شد.

علی لیالی رئیس وقت «سازمان حج و زیارت» تصریح کرد که ملت عراق از تردّد زائران ایرانی به دستاوردهای اجتماعی می‌رسند و این معنا مورد تأیید وزیر جهانگردی عراق قرار گرفته است و وی چاره‌اندیشی برای سازمان‌دهی سفرهای زیارتی با وجود همه دشواری‌ها را سبب تحکیم روابط برشمرد. (www.isna.ir/fa/news/jhvdo nsjvds 22/5/1391)

جمهوری اسلامی ایران از رهگذر سفرهای زیارتی، قادر بر تفوّق بر رقبای خود مانند ترکیه، عربستان و در نهایت، ائتلاف با کشور عراق و نفوذ سیاسی و اقتصادی بر این کشور است. ایران در این رقابت، از موقعیت بلامنازع و نادری در اتکا به گردشگران زیارتی برای توسعه و تحکیم روابط فرهنگی برخوردار است.

کارکردهای فرهنگی سفرهای زیارتی برای دو کشور ایران و عراق نوین

پیش از ورود به بحث، یادآوری این نکته ضروری است که با توجه به ماهیت معنوی گردش زیارتی و یگانه‌شماری دین و سیاست و نگرش ایدئولوژیک سیاست‌گذاران در جمهوری اسلامی ایران، بین کارکردهای سیاسی و فرهنگی حاصل از سفرهای زیارتی نوعی آمیختگی وجود دارد و تفکیک کامل آن، از یکدیگر میسر نیست.

الف. زمینه‌سازی برای همگرایی اسلامی

پس از انقلاب، به اقتضای منطق اسلامی و انقلابی بودن، ایران دو هدف غیرعرفی «تشکیل امت واحد اسلامی» و «دفاع از نهضت‌های آزادی‌بخش و صدور انقلاب اسلامی به سراسر جهان» (دهقانی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵) را در سیاست خارجی برای خود لحاظ نمود، و مفاهیم دینی ذکر شده به عنوان تعهد قانونی در مقدمه قانون اساسی ایران وارد شد. بر اساس اصل

۱۵۴ قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد با ملل اسلامی جهان، از جمله با همسایگان و پشتیبانی از مستضعفان قرار داد. فراخوان حاکی از جهان‌شمولی اسلام، که این دین را نازل شده بر بشر نه فقط برای مؤمنان فرض کرده، این الزام را برای انقلاب ایران ایجاد کرده که از شور انقلابی خود برای انتشار جهانی اسلام استفاده کند. التزام انقلاب اسلامی ایران به عملیاتی کردن آرمان امت واحده اسلامی (Haliday, 1991, p.124) در سیاست صدور انقلاب به کشورهای اسلامی و پافشاری حضرت امام (ره) به دفاع از همه مسلمانان نیز نمود آشکاری دارد.

ب. بازتعریف هویت مذهبی و بهره‌مندی از مؤلفه سرزمین‌زدایی گردشگری زیارتی پاسخ به چیستی و کیستی را، که از ارکان شناسایی هویت انسانی است، سهل‌تر و عینی‌تر می‌سازد. به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه‌ای که در معرض تهدید بحران هویتی هستند، این امر می‌تواند کارکردی هویت‌بخش ایفا نماید. وقتی شیعیان عراقی زایران ایرانی را مشاهده می‌کنند که در عتبات عالیات به عبادت و زیارتی مشابه آن‌ها اقدام می‌کنند، رغبت و علاقه بیشتری برای همکاری با ایران، که از سنخ هویتی خود آنهاست، پیدا می‌کنند؛ یعنی همان شرایطی که جمهوری اسلامی ایران برای ام‌القرایی خود ناگزیر از خلق آن در خاورمیانه است، به وسیله گردشگران دینی فراهم می‌شود. (واعظ، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۷۱)

همچنین اهتمام ایران به معماری و بازسازی اماکن زیارتی عراق و همکاری دو کشور و مشارکت دیگر کشورهای اسلامی در این زمینه، به سبب خصلت بازآفرینی و یادآوری شکوه گذشته جهان اسلام، فرصت دیگری برای همگرایی فرهنگی دو کشور مسلمان همسایه فراهم می‌سازد.

هم‌شکلی و همگونی ساختار معماری به لحاظ کاشی‌کاری و آئینه‌کاری، طاق، گل‌دسته، و رواق‌سازی مشاهد شریف عراق با اماکن مقدس ایران، که عمدتاً متأثر از هنر ایرانی است، موجب شده زایر ایرانی در عتبات عالیات حس غریبگی با وجود مرزهای سیاسی تفکیک‌کننده نداشته باشد و به نوعی این‌همانی دست یابد و بدین‌سان، هویت ایرانی،

عراقی، ترک و کرد بودن به هویت ثانوی فرد در این اماکن مقدس تبدیل شود. جمهوری اسلامی ایران دقیقاً نیاز به خلق چنین برداشتی از مقوله هویت در منطقه و آگراشده خاورمیانه اسلامی (واعظ، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱) برای طرح و اجرای مقاصد منطقه‌ای خود دارد.

در اثنای سفرهای زیارتی، زایران از کشورهای گوناگون و با وجود تفاوت‌های سیاسی بسیار، در اماکن مقدس، به خاطر وجوه مشترک فرهنگی، به رفتارهای همسان مذهبی اقدام می‌کنند. ادبیات و رفتار مشترک مذهبی و فرهنگ زیارت در اماکن مقدس، کارکردی سرزمین‌زدایانه دارد و این کارکرد سفر زیارتی دقیقاً هم‌راستا با سیاست فراملی‌گرایانه ایران قرار دارد که در تکاپوی ایجاد یک قطب قدرتمند اسلامی در منطقه در کسوت اتحادیه اسلامی خاورمیانه (Vaez, 2010, p.5) است.

گردشگری مذهبی از نمونه‌های نادر اشکال گردشگری است که بی‌توجه به موانع آب و هوایی (برای نمونه، حرکت چندصد هزار نفری زایران ایرانی - عراقی در مسیر نجف به کربلا در روزهای منتهی به تاسوعا و عاشورای حسینی در سرمای شدید دی ماه ۱۳۹۲) و گاه جغرافیای سیاسی انجام می‌پذیرد. همایش میلیونی زایران در مکه مکرمه و گردهمایی مسیحیان در واتیکان و گردهمایی میلیونی شیعیان در دهمین روز ماه محرم در کربلا، از مصادیق بارز اماکنی است که زایران را از سراسر دنیا، به خود فراموشی خواند و این ویژگی سفرهای زیارتی، خواست سرزمین‌زدایی را که لازمه سیاست‌گذاری‌های فراملی‌گرایانه جمهوری اسلامی است تأمین می‌کند.

از کارکردهای گردشگری زیارتی ذوب فاصله‌ها و کم‌رنگ شدن هویت‌های ثانوی و متکثر در جریان مراسم و آیین و آداب مخصوص زیارت است؛ چنان‌که عرب و عجم، فقیر و غنی، بدون هیچ‌گونه تمایزی در کنار هم اعمال مشترک زیارت را بجا می‌آورند؛ یعنی همان بستری که ایران در تشکیل «امت واحد اسلامی در خاورمیانه» به آن نیاز دارد. زایران ایرانی در عراق نیز هنگامی که - برای نمونه - در بین‌الحرمین در ایام عاشورای حسینی هم‌نوا با زایران عراقی در عزای جانگداز امام حسین علیه السلام با نوحه‌های نزار قطری سوگواری می‌کنند هویت ایرانی و عربی‌شان تحت‌الشعاع هویت شیعی و هم‌ذات‌پنداری مذهبی آن‌ها قرار می‌گیرد.

کارکردهای اجتماعی و اقتصادی گردشگری مذهبی بر روابط ایران با عراق نوین
سفرهای زیارتی علاوه بر کارکردهای یاد شده، دست کم در بردارنده دو کارکرد مناسب
دیگر برای سیاست‌گذاری ایران و روابط ایران با عراق دگرگون شده پسااصدام است که در
ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. تأثیر معناگرایی زایران بر ایجاد صلح و پرهیز از خشونت

زایران در اماکن زیارتی مقدّس تحت تأثیر خلعان‌های روحی و معنویت حاصل از تمنا و
تقاضای بهترین‌ها برای خود و دیگران قرار می‌گیرند و این حال معنوی با ستیزه‌جویی
منافات پیدا می‌کند. عبور از منیت‌های فردی در دعا، می‌تواند همین خصلت جمع‌خواهی و
یکسان‌شماری دیگران با خود را به صورت اراده حکومت شیعی در قبال منطقه خاورمیانه
متبلور سازد.

مضامین دعاها برای زایر مسلمان بعد هویت‌بخش دارد؛ زیرا زایر - برای نمونه - وقتی
می‌خواند: «انت الهی و سیدی و مولای اغفر لاولیائنا و کفّ عنا اعدائنا واشغلهم عن اذانا»
(زیارت امین الله) و بدین‌سان، صرفاً برای خود دعا نمی‌کند و برای همه به گونه جمعی دعا
می‌کند، نوعی یکسان‌پنداری میان خواست خود و خواست جمعی مسلمانان در ذهنش پدید
می‌آید.

زایر، مضامین عالی و باور خود را - برای نمونه - در «زیارت جامعه کبیره» می‌خواند
که ماحصلی جز روحی صیقل یافته و دردسرگریز نمی‌تواند داشته باشد.

از خصیصه‌های زایر خشونت‌گریزی، پرهیز از جدال و منازعه و تقویت رفتار و روابط
صلح‌آمیز است که در بلندمدت، در اثر توسعه کمی و کیفی سفرهای زیارتی، سیاست‌گذاران
فرهنگی دو دولت شیعی ایران و عراق ناگزیر از لحاظ خواست‌ها و نیازهای این بخش کثیر
از اتباع خود می‌شوند.

زیارت ائمه اطهار علیهم‌السلام با آداب معنوی و باورهایی همچون نذر کردن
(امین‌الدوله، ۱۳۷۰، ص ۲۶)، تقرّب‌جویی (کربلایی کرناطکی، ۱۳۸۶، ص ۳۹)، ثواب‌خواهی،
بستن بیماران به پنجره فولادی، عریضه‌اندازی در حرم، تبرک‌دادن جنازه در اطراف ضریح

مطهر، خادم افتخاری شدن، و مجاور حرم شدن (علویه کرمانی، ۱۳۸۶، ص ۹۳) آمیختگی پیدا می‌کند که بر روح و روان زائر اثری در دسرگریزانه برجای می‌گذارد و از خشم و نفرت‌های سیاسی آنان می‌کاهد.

زائر - توریست‌ها غالباً در زمرة آرام‌ترین و صلح‌گراترین و به لحاظ فراوانی انجام اعمال خشونت‌آمیز، در پایین‌ترین رده از هر جدول آماری قرار می‌گیرند، و زائران ایرانی با فرهنگ متعالی (نقیب‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۷) این توانایی را دارند که در جایگاه سفیران صلح و امنیت در اماکن زیارتی، به‌ویژه در عراقی که قربانی تروریسم (Nasr, 2004; p.8) و آدم‌ربایی و بمب‌گذاری (ولدانی، ۱۳۸۷، ص ۸۶) است، بذره‌های معنویت و دنیاگریزی را بپراکنند و صلح‌گرایی را در درازمدت در منطقه نهادینه سازند.

همچنین تداوم این سفرها به برقراری وفاق بین مردم دو کشور می‌انجامد و فعالیت مشترک دو کشور برای برپایی مراکز رفاهی برای زائران در عراق، به تحکیم این علائق مردمی و الفت فیما بین کمک می‌کند.

ب. مشارکت ایران در بازسازی عراق با تمرکز بر بازسازی عتبات عالیات

بازسازی عراق پس از صدّام در صدر اولویت‌ها و الزام‌های امنیتی دولت شیعی عراق قرار گرفته است و به منابع مالی کلانی نیاز دارد. تنها در سال ۲۰۰۴ پیش‌بینی می‌شد که بازسازی عراق نیازمند ۵۰-۱۰۰ میلیارد دلار اعتبار است. این به معنای آن است که این امر نیازمند مشارکت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری است. از ژانویه ۲۰۰۴ تا پایان جولای ۲۰۰۸، بیش از ۱۱۸ میلیارد دلار صرف بازسازی عراق شد که آمریکا ۵۰/۴۶ میلیارد دلار از این رقم را تأمین کرد. (خسروی، ۱۳۹۰، ص ۳۹)

در سال ۲۰۰۳ همایش «کمک به بازسازی عراق» در مادرید اسپانیا با شرکت ۷۳ کشور و ۲۰ سازمان جهانی (قربانی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱) برگزار شد، و هر کشور نحوه کمک خود را اعلام کرد. کشورهای منطقه یا مانند کویت، اقدام به بخشش بدهی‌های عراق کردند و یا مانند قطر و امارات متحده عربی با کمک‌های مالی قابل توجه، عراق را در بازسازی یاری رساندند. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر ارائه کمک‌های فنی، بیشترین هم خود را صرف بازسازی عتبات عالیات نمود.

بخش قابل توجهی از اماکن زیارتی عراق طی دهه‌های گذشته، فرسوده شده بود. بی‌اعتنایی به مطالبه‌های فرهنگی شیعیان عراق در دوران صدام حسین مانع سیاست‌گذاری برای توسعه و ترمیم اماکن مقدس شیعی در عراق شد، ولی با سقوط صدام و بازنگری در سیاست‌گذاری گذشته، توجه به خواست‌های شیعیان در اولویت امور دولت نوین قرار گرفت. اما اقتصاد فرومانده عراق (یزدان فام، ۱۳۹۰، ص ۲۶۰) قادر به تأمین هزینه‌های مادی توسعه و مرمت نبود و ایران برای بهره‌مندی معنوی و مادی از این تجربه، برای ورود فعال در تعاملات منطقه‌ای، اشتیاق خود را برای مشارکت در بازسازی عراق (آیتی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۴) با جدیت آشکار ساخت.

بنابراین، ایران به نشانه توجه به جامعه پرشمار شیعی عراق، تجربه‌های گران‌سنگ خود را در اداره حرم مطهر رضوی در جایگاه یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های زیارتی جهان در اختیار عراق نوین قرار داد. این سیاست علاوه بر ایجاد فرصت شغلی برای هموطنان ایرانی، به سبب ارائه توانمندی‌های فناورانه به عراق، برای ایران جایگاه یک قدرت طراز اول منطقه‌ای را ایجاد می‌نماید.

نمونه‌هایی از مشارکت ایران در بازسازی عتبات عالیات و همفکری با متصدیان دینی در عراق و تسهیل و باشکوه‌سازی سفر زیارتی زائران شیعی عبارت است از:
- اعزام کارشناسان پنج نفره به شهر نجف در ۱۳۸۹ برای بررسی چگونگی مرمت اشیای تاریخی موجود در حرم مطهر، که بنا به درخواست هیأت عراقی صورت گرفت.
(اخبار شیعیان، سال ۶، ش ۵۴، اردیبهشت ۱۳۸۹، ص ۲۲)

انجام همه کارهای قلم‌زنی، نقره‌زنی و مس‌زنی مرقد مطهر امام حسین علیه السلام، توسط هنرمندان ایرانی، سنگ‌کاری داخل حرم مطهر امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام و عملیات بسیار پرهزینه طلاکاری گنبد امام جواد علیه السلام و امام موسی کاظم علیه السلام و بازسازی سازه اصلی حرم مطهر عسکرین علیه السلام در سامراء و نصب تزئینات داخلی آن (اخبار شیعیان، سال ۶، ش ۵۶، ۱۳۸۹، ص ۳۲)، تکمیل درب طلای باب القبله حرم امام حسین علیه السلام توسط هنرمندان ایرانی و رونمایی از گل‌دسته‌های بازسازی شده بارگاه حضرت

ابوالفضل علیه السلام با حضور نمایندگان جمهوری اسلامی ایران، سوریه و عربستان، بحرین، کویت، پاکستان و لبنان، در سال ۱۳۸۹ از دیگر اقدامات برای کمک به عراق به‌شمار می‌رود.

در متن خبر تفصیلی مربوط به استفاده از ۱۰۸ کیلو طلا و هزینه بالغ بر ۴ میلیون دلار برای طراحی و ساخت و اجرای روکش طلا با ۵ هزار آجر (خشت) در اماکن مشرفه عراق (اخبار شیعیان، سال ۶، ش ۵۵، خرداد ۱۳۸۹، ص ۲۸)، گرچه ذکری از جمهوری اسلامی ایران نشد، اما شواهد امر می‌تواند بر مشارکت گسترده ایران در این طرح، که از عهده دولت ضعیف عراق بر نمی‌آمد، دلالت نماید. ایران پیش‌تاز انتقال تجربه پذیرش زایر میلیونی به عراق و تدارک خدمات رسانی‌های جنبی (www.atabat.org) سفرهای زیارتی بوده و دو بیمارستان مجهز در کربلای معلّ و نجف اشرف از سوی هلال احمر برپا شده و برای ارائه خدمات مابین دو کشور، توافق‌هایی مبنی بر اهدای چادر برای زایران، نصب دستگاه‌های خنک‌کننده در چادرهای بین‌راهی بین مسیرهای کربلا و نجف در ایام و مناسبت‌های ویژه صورت گرفته است.

یکی از زیرساخت‌های عراق، که به شدت آسیب دیده، مرزها و خطوط مواصلاتی عراق است. امکان بازسازی بیشتر خطوط تخریب‌شده جاده‌ای و تدارکاتی این کشور فراهم نشده است. همچنین بمب‌گذاری در خطوط لوله‌های نفت، قاچاق گسترده کالا و انسان نشانگر آن است که دولت نوین عراق فاقد هر نوع کارایی برای اداره مؤثر مرزهاست. (جونز، ۱۳۸۸، ص ۱۵۴) دولت نوین این کشور لازم است تدابیری را برای سنجش کنترلی مؤثر جمعیت مانند کارت شناسایی، روادید، مجوز حمل سلاح و بازرسی امنیتی به کار گیرد.

دولت عراق نوین، که تجربه متراکم کشورداری را به سبب سال‌ها مهاجوری و انزوای سیاسی نداشته، بر اساس نظریه پیش‌گفته دیوید میترا نی، نیازمند همکاری فنی با جمهوری اسلامی ایران برای اداره و خط‌مشی‌گذاری سفرهای زیارتی و خدمات پیشینی و پسینی آن است. همین امر بر سیاست و روابط دو کشور برای تعمیق و توسعه روابط در بلندمدت اثر

می‌گذارد. تقاضای روزافزون زائران شیعی برای زیارت اماکن شریف عراق دولت نوین را ناگزیر از توجه به این امر زیرساختی برای تسهیل سفرهای زیارتی ساخته است. بدین‌رو، هر نوع تکاپوی عراق برای بازسازی مرزها از منظر سیاست منطقه‌ای ایران، چه برای تأمین امنیت سفر زائران ایرانی و تقویت روابط فیما بین دو کشور و چه به خاطر رفع آشوب در کشور همسایه و ایجاد محیطی آرام و امن برای اتحادیه اسلامی آرمانی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، می‌تواند فرصت‌آفرین باشد، و هرگونه هم‌قدمی با عراق در این مسیر، گامی روبه جلو برای سیاست همسایه‌گرایی ایران به شمار می‌رود.

آهنگ روبه رشد سفرهای زیارتی ایرانی‌ها به عراق کارکرد اقتصادی هم داشته و دقیقاً این سنخ از همکاری‌های اقتصادی و توسعه آن به دیگر ابعاد همکاری اقتصادی بر سیاست همسایه‌گرایی و روابط خوب دو کشور اثرگذار بوده است. زمینه‌های بالقوه سرمایه‌گذاری اقتصادی ایران به‌طور اعم در عراق پس‌اصداً عبارت است از: بازسازی و ساخت کارخانه‌های برق و تولید انرژی، شبکه‌های انتقال و توسعه منابع آبی، پالایشگاه‌های نفت و پتروشیمی، و کارخانه‌های سیمان (برزگر، ۱۳۸۶، ص ۹۶) که ایران از این فرصت تا حدی برای اثرگذاری در عراق و زمینه‌سازی برای ارتقای قدرت منطقه‌ای و به‌سازی روابط با عراق بهره برد؛ اما در این زمینه هم اهتمام خود را بیشتر مصروف سرمایه‌گذاری بر صنعت گردشگری مذهبی کرده است.

مخارج سالانه گردشگری در سطح جهانی بالغ بر ۲۰۰۰ میلیارد دلار است. در بسیاری از کشورها، صنعت گردشگری به صورت منبع اصلی ایجاد کار درآمده و جمعیتی بالغ بر ۱۰۰ میلیون نفر را در سطح جهانی به اشتغال واداشته است. (صدیق زراعتی، ۱۳۸۸، ص ۵۴). این در حالی است که اروپا و آمریکا - به ترتیب - مقام اول و دوم در صنعت گردشگری را دارند و این نرخ در خاورمیانه به سبب مشکلات سیاسی - نظامی بین ۲-۱/۵ درصد در نوسان بوده است. عمده‌ترین شکل گردشگری بین کشورهای اسلامی این منطقه هم گردشگری پاک بوده است.

فرصت‌های سرمایه‌گذاری ایران در صنعت گردشگری مذهبی در عراق

از دید این پژوهش سفر زیارتی به خارج از مرزهای سیاسی کشور مستلزم خط‌مشی‌گذاری نهادها و نیروهای داخل ایران هم هست و بنابراین، بخشی از حوزه اثرگذاری این سنخ سفرها مرهون خط‌مشی‌گذاری مدبرانه است تا در نهایت، دستاورد این سفرها موجب بهبود و تقویت روابط دو کشور گردد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین فرصت‌های سرمایه‌گذاری ایران بر صنعت گردشگری مذهبی به گونه عام و به طور اخص بر روابط ایران و عراق عبارت است از:

متنوع‌سازی منابع درآمد با کاهش اتکا به درآمد نفت: تعداد زیادی از افراد در شهرهای زیارتی و به‌طور غیرمستقیم در سطح کل دو کشور، درآمد خود را از طریق گردشگران دینی کسب می‌کنند. و هرگونه هم‌فکری مشترک و اتخاذ تدابیری برای نوسازی و ارتقای کیفیت سفرها تأثیر مثبت و بی‌واسطه‌ای بر روابط ایران و عراق خواهد داشت. در هر حال، نبض حیات اقتصادی نهادها و نیروهای ذیل در هر دو کشور شیعه مذهب ایران و عراق، مستقیماً به تداوم امر گردشگری دینی وابسته است:

الف. مهندسان، معماران، نیروهای فنی و هنرمندان دست‌اندرکار در ساخت، توسعه و ترمیم حرم‌های مطهر در دو کشور؛

ب. ارائه‌دهندگان خدمات حمل و نقل و امور رفاهی به زائران در شهرهای مقصد زیارتی و در مسیرهای منتهی به مکان‌های زیارتی؛ مانند صاحبان و دست‌اندرکاران هتل‌ها، مسافرخانه‌ها، زایرسراها، مهمان‌پذیرها، خانه‌های اجاره‌ای و دیگر مکان‌های اقامتی.

ج. چاپ‌خانه‌ها و ناشران کتاب‌ها و نشریات مذهبی، مداحان و مرثیه‌خوانان و فروشندگان کتاب‌های زیارت و ادعیه و آداب سفر.

د. مؤسسه‌های فرهنگی شیعی؛ مانند «اداره ارتباطات اسلامی و امور زائران غیرایرانی»، «مجمع جهانی اهل‌البیت».

ه. دفاتر مسافرتی، شرکت‌های هواپیمایی، اتوبوس‌ها، قطارهای مسافربری و تمام مشاغل مرتبط با مهیاسازی سفر و نقل و انتقال زائران.

و. موزه‌داران، نمایشگاه‌داران و مکان‌های تاریخی و فرهنگی و دیدنی و اماکن تفریحی برای جذب و جلب زائران.

ز. اداره‌کنندگان اراضی و موضوعات مورد وقف و امور مجاوران.

ح. غذاخوری‌ها، مغازه‌ها، اغذیه‌فروشی‌ها، ارائه‌دهندگان مواد خوراکی، فروشگاه‌ها، مجتمع‌های تجاری و مغازه‌دارها از مبدأ تا مقصد زیارتی.

بازار مقصد دوم هر گردشگر دینی است و خرید صنایع دستی و محلی (محمدی، ۱۳۸۷، ص ۳۶)، به‌ویژه تهیه سوغاتی که با نام شهرهای مذهبی عجین شده مانند جانماز، تسیح، مهر، انگشتر، پارچه و حتی کفن از ملزومات جدایی‌ناپذیر سفر مذهبی تلقی می‌شود و تقریباً تمام زائران در کربلا یا نجف اقدام به خرید کفن می‌کنند و آن را به ضریح مطهر متبرک می‌کنند. گذشته از آن، برخی از زائران ایرانی در عراق، به خاطر باور به معنویت سوغات شهرهای مقدس، اقدام به خرید انواع کالاهایی - اگرچه نامرغوب - مثل چادرهای عربی و کیف و کفش از این شهرها می‌کنند، و چه کسی است که سودبخشی آن را بر بخشی از خرده‌فروشان و کسبه عراقی انکار نماید؟! در هر حال، اگر همین تعامل اندک اقتصادی نیز زمینه‌ساز پیوندهای پر دامنه و مستحکم اقتصادی فی‌مابین دو کشور با ظرفیت‌های پر شمار اقتصادی شود، این موضوع نیز از دید این پژوهش در رده کارکردهای ثمربخش سفر زیارتی بر روابط دو کشور قلمداد خواهد شد.

اما افزون بر اثرات درونی مذکور، گردشگری دینی به لحاظ اقتصادی، سبب رونق اقتصادی شهرهای غربی کشورمان که دارای پایانه مرزی هستند و نیز تشویق سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در صنعت تضعیف‌شده و نوپای گردشگری در عراق می‌شود و زمینه‌ساز بهبود وضعیت ایران در رده‌بندی صنعت جهانی گردشگری به واسطه فعالیت در عرصه گردشگر فرصتی و گردشگرپذیری می‌گردد.

صنعت گردشگری نیازمند تربیت نیروی مجرب در امور اقتصادی، آموزشی تورگردانی و به‌ویژه توانایی برقراری ارتباط با خانه‌های فرهنگ ایران در خارج از کشور است.

(پیران، ۱۳۸۸، ص ۴۹)

اهمیت درآمد گردشگری در ترمیم و تقویت اقتصاد و دولت ورشکسته (سیمپسون، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲) عراق را می‌توان با بررسی وضعیت رقت‌بار عراق در سال‌ها قبل و پس از تهاجم نابخردانه صدام به کویت در ۲ اوت ۱۹۹۰ دریافت که در پی آن، شورای امنیت سازمان ملل به اتفاق آراء، تحریم‌های لازم‌الاجرای را بر ضد عراق وضع نمود و تجارت خارجی عراق و ذخایر خارجی آن را مسدود کرد. (منسفیلد، ۱۳۸۸، ص ۳۸۳) در آن زمان، نیروهای ائتلاف بین‌المللی به سرمداری آمریکا، تمامی قدرت رزمی عراق به همراه زیربنای اقتصادی آن کشور را درهم شکستند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۱) و به واقع، یک فاجعه را برای مردم عراق رقم زدند. در چنین وضعیتی، ورود حتی یک کاروان گردشگر ایرانی به عراق می‌توانست نقطه‌امیدی بر اقتصاد فروپاشیده این کشور باشد. سقوط صدام موجب شد ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و مدنی که تروریسم و آشوبگری (Ehteshami, 2003, p.115) آن را وخیم‌تر کرده بود، نظم و اداره امور این کشور را از هم بپاشد.

بر پایه آمار سازمان گردشگری جهانی، پیش‌بینی می‌شود تعداد گردشگران بین‌المللی تا ۲۰۲۰ به بیش از ۵/۱ میلیارد نفر برسد و شواهد امر حکایت از آن دارد که اروپا بیشترین نرخ جلب گردشگر را دارد؛ اما خاورمیانه به‌طور اعم و ایران و عراق به‌طور اخص، نه تنها وضعیت امیدوارکننده‌ای ندارند که شواهد امر حاکی از رشد منفی گردشگری در این دو کشور مستعد است. ایران در سال ۱۹۹۰ قریب ۳۴۰ هزار دلار برای سفرهای خارجی صرف کرده و این در حالی است که در سال ۲۰۰۳ این رقم به ۱۹۰/۴ میلیارد دلار رسیده؛ یعنی تقریباً ۱۲ برابر شده است؛ اما میزان صادرات ایران از گردشگری همپا با آن جلو نرفته و قریب ۵۰۰ هزار دلار درآمد ارزی از این راه جذب کرده و در واقع، کسری تراز گردشگری کشور قریب ۵/۳ میلیارد دلار است. (رنجریان، ۱۳۸۴، ص ۴۸)

اما صنعت گردشگری در عراق، از سال ۲۰۰۳ با وجود عضویت در سازمان جهانی گردشگری (قربانی، ۱۳۸۷، ص ۳۶) و جاذبه‌های فراوان گردشگری، مانند شهر باستانی بابل، زیگات و اور و اماکن دیدنی لحمما، سارسنگ و دوکان در منطقه کردستان عراق، عملاً

غیرفعال شد، ولی در سال ۲۰۰۵ دفاتر گردشگری (قربانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹) بار دیگر فعال شد و زایران ایرانی عتبات عالیات، از جمله عوامل رشد درآمد گردشگری در عراق با اعزام روزانه ۲۵۰۰ زائر به عراق گردیدند. (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۶/۷/۲)

از دیگر کارایی‌های سفرهای زیارتی، آماده‌سازی شرایط برای دیگر اشکال گردشگری، مانند «توریسم درمانی» (الخفاف، ۱۳۹۱، ص ۱۷)، «ژئوتوریسم» و «اکوتوریسم» است. برای نمونه، زایران شیعی، اعم از ایرانی، عراقی و بحرینی، که به مشهد می‌روند، همه ساله از مناطق ییلاقی مانند شاندیز، طرqbه، خواجه ربیع و کوه سنگی دیدار می‌کنند که این امر علاوه بر فراهم‌سازی فرصت‌های شغلی، به رشد مثبت نرخ گردشگری در ایران کمک می‌کند. تورگردانان عراقی هم می‌توانند همین تجربه را در عراق، که جاذبه‌های متنوع گردشگری دارد، درباره کاروان‌های زیارتی ایران تکرار کنند. اما از آن‌رو که رویکرد این پژوهش تنها بر پیامد سفر زایران ایرانی به عتبات عالیات بر روابط دو کشور تمرکز داشت، به نتایج سفر زیارتی شیعیان عراقی به ایران، که البته اساساً هم‌تراز با سفر شیعیان ایرانی به عراق نیست، پرداخته و فقط به نکات فوق اشاره کرده است.

از دیگر اثرات غیر مستقیم گردشگری دینی بر روابط ایران و عراق، می‌توان به توافقی‌هایی که دو طرف برای ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی در مرزهای مشترک دو کشور (دی ماه ۱۳۸۸) اشاره کرد. در نتیجه، این مرزها علاوه بر تأمین ارتباط زیارتی، به سبب اهمیت ترانزیتی، بر تقویت و توسعه روابط اقتصادی فی‌مابین اثرگذار خواهد بود.

سخن پایانی

جمهوری اسلامی ایران نیز راهبرد منطقه‌ای خود را بر بنیاد منطقه‌گرایی و تشکیل «اتحادیه اسلامی خاورمیانه»، اعتمادسازی و ایجاد تصویری از یک قدرت احترام برانگیز برای خود پیریزی نموده و درصدد برآمده از گردشگری دینی، به عنوان راه‌کاری فرهنگی برای عملی‌سازی سیاست منطقه‌ای بهره‌مند شود.

یافته‌های این تحقیق که خواستار بررسی تأثیر سفرهای زیارتی بر روابط ایران و عراق پس‌اصدام بوده، نشانگر آن است که سفرهای زیارتی کارکردهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ذیل را در قبال عراق و توسعه و تحکیم روابط با عراق داشته است: تبدیل مرزهای جنگ به صلح، اجتناب از بازطرح اختلاف‌های تاریخی ایران و عراق؛ زمینه‌سازی سفرهای زیارتی برای اتکای ایران به قدرت نرم در عراق نوین؛ زمینه‌سازی برای همگرایی و عملی‌سازی آرمان جهانی «تشکیل امت واحد اسلامی» و اهتمام به بازتعریف هویت اسلامی و بهره‌مندی از کارکرد سرزمین‌زدایی سفرهای معنوی؛ تأثیر پرنفوذ معناگرایی زایران بر خشونت‌گریزی و برپایی صلح در منطقه؛ شرکت جمهوری اسلامی ایران در طرح جهانی بازسازی عراق با تمرکز بر مشارکت در بازسازی اماکن مقدس عراق در کربلا، نجف، سامراء و کاظمین؛ متنوع‌سازی منابع درآمدی ایران با سرمایه‌گذاری بر صنعت گردشگری دینی؛ و کاهش اتکا به درآمد نفت و ارتقای رده‌بندی ایران در صنعت روبه‌رشد گردشگری.

به بیان دیگر، در این سفرها ارزش‌های فرهنگی نه تنها بین زایران دو کشور، بلکه زایران مسلمانی که از دیگر کشورها به این مکان‌های مقدس می‌آیند مبادله می‌شود و گردشگران دینی در حکم سفیران صلحی هستند که با اعمال زیارتی خود، بذل صلح و معنویت را می‌پراکنند و این امر در بلندمدت، به ترویج صلح و منازعه‌گریزی یاری خواهد رساند. همچنین یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که درآمدزایی این صنعت هم‌راستا با مقاصد جمهوری اسلامی ایران است.

مهندسی امور فرهنگی از جمله امر فرهنگی زیارت، مستلزم همکاری‌های دو کشور برای صدور روادید با شرایط نوین، مکانیزه کردن ترانزیت و مبادی کنترلی ورود و خروج گردشگر و تنوع بخشی به انواع راه‌های سفر زیارتی، رزرواسیون پیش‌رفته، سریع و مطمئن و خدمات حمل و نقل و رفاهی بوده و مستلزم همکاری‌های بین ایران و عراق بر پایه نظریه دیوید میترانی مبنی بر جبر کارکردی در همکاری است و از تجربه‌های همین مدیریت گردشگری، ایران می‌تواند در سطحی گسترده‌تر، برای ورود به هسته رهبری

خاورمیانه به عنوان یکی از قطب‌های قدرت در «منظومه قدرت» مورد نظر باری بوزان بهره برد.

به همین اعتبار، ایران که در صدد تحقق امت واحد اسلامی است، تلاش کرده است در سال‌های اخیر، از فرصت گردشگری دینی حاصل در روابط ایران و عراق نوین برای زمینه‌سازی امت واحد اسلامی، که به عنوان یکی از اصول پابرجای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعریف شده، بهره برد؛ زیرا از میان شاخص‌های نمادین و حیاتی، گردشگری تنها نمادی است که گستره جغرافیایی آن از مرزهای سیاسی کشور، تقسیمات اداری و قلمرو اقتدار قومی فراتر می‌رود و به منزله نمادی از هویت و تعاملات فرهنگی به چشم می‌آید. بنابراین، سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری مذهبی روند سرزمین‌زدایی و فراملی‌گرایی را، که از پیش‌نیازهای تشکیل «اتحادیه اسلامی در خاورمیانه» است، شتاب می‌بخشد و با اهداف ایران در ارتقای قدرت منطقه‌ای و تخفیف اثرات جهانی‌سازی هم‌جهت است.

همچنین گذشته از تطبیق یافته‌های این تحقیق با نظریه میترانی، در تطبیق با تلفیق نظریه‌های مطرح شده در این نوشتار، که چارچوب نظری بحث را شکل می‌بخشد و به‌ویژه با تأکید بر نظریه دانیل فلیمز، می‌توان گفت: ایران برخی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌ها و معیارها را برای قدرت منطقه‌ای شدن را داراست؛ چنان‌که در انطباق موقعیت ایران با پیش‌شرط‌های مطرح شده از سوی فلیمز، نگاه تجدیدنظرطلبانه ایران در سیاست خارجی پس از انقلاب، که مبتنی بر اهتمام ایران بر تشکیل امت واحد اسلامی و لحاظ آن در قانون اساسی است، ناظر بر دارا بودن پیش‌شرط‌های اولیه تدوین دعوی رهبری است، و در انطباق با دیگر معیار مورد نظر فلیمز، جمهوری اسلامی ایران در صدد مشروعیت‌بخشی به اعمال قدرت برآمده که برای نمونه، اهتمام ایران به سامان‌دهی به سفرهای زیارتی و تقویت مواضع شیعیان عراق راهی برای تأمین این معیار به شمار می‌آید. در تطبیق با لزوم تدارک پیش‌شرط بهره‌مندی از ابزار مناسب در سیاست خارجی، اعطای کمک ایران به عراق و به گونه نمادین و از روزه علاقه این پژوهش، زمینه‌سازی برای انجام فضیلت زیارت و کمک

به بازسازی عتبات عالیات، زمینه‌ساز فراهم‌آوردن یکی دیگر از پیش‌شرط‌های قدرت منطقه‌ای است و - فی نفسه - سفرهای زیارتی، شیوه مناسبی برای تأمین نفوذ ایران در عراق و در صورت تثبیت و تداوم روابط با این کشور، با توجه به جایگاه شاخص عراق در جهان عرب، زمینه‌ساز نفوذ منطقه‌ای ایران خواهد بود. در بررسی همخوانی با آخرین معیار یا پیش‌شرط منظور فلیمز مبنی بر پذیرش نقش رهبری توسط دولت‌های ثالث نیز به نحو تفاهم‌آمیز و ابرام بر رویه متقاعدسازی منطقه با خط‌مشی منطقه‌ای، می‌توان گفت: ایران می‌تواند از تجربه متراکم همکاری‌ها برای سامان‌دهی به سفرهای زیارتی، بنیاد روابطی عمیق و تفاهم‌آمیز با عراق را طراحی کند.

واقعیت این است که کشورهای منطقه خاورمیانه از جمله ایران و عراق، بنابه نظریه میترا نی، ناگزیر از همکاری با یکدیگر برای حل معضل واهمه‌گردشگران دنیا از سفر به کشورهای خاورمیانه هستند. موج ناآرامی‌ها در تونس، مصر، لیبی، بحرین، سوریه و یمن از سال ۲۰۱۱ به این سو و تداوم فجایع تروریستی در عراق و افغانستان، رغبتی در گردشگران برای سفر به این کشورها پدید نمی‌آورد و در نتیجه، مقاصد بسیار کم اهمیت‌تر، در آسیا، مثل مالزی و تایلند جای کشورهای مستعد اسلامی خاورمیانه، در صنعت نامرئی گردشگری را به خود اختصاص داده است. برای نمونه، گردشگران ایرانی در ترکیه با شگفتی و تأسف به هزارها توریستی می‌نگرند که از دو قاره اروپا و آمریکا و تا دو قدمی مرز ایران برای دیدن کلیسا - مسجد «ایاصوفیه» می‌آیند و اقتصاد بدون نفت ترکیه را به این سبب رونق می‌بخشند؛ اما برای ورود به ایران و عراق با جاذبه‌های کم‌نظیر (لی، ۱۳۷۸، ص ۳۵) تردید نشان می‌دهند.

کشورهای خاورمیانه گام اول برای غلبه بر این معضل مشترک را می‌توانند در حوزه انتظام‌بخشی به گردشگری دینی بردارند. این امر به نوبه خود نوعی جبر کارکردی منظور میترا نی را برای چاره‌جویی و هم‌فکری در این زمینه در سال‌های اخیر بین این کشورها و از جمله بین ایران و عراق نوین ایجاد کرده است.

فهرست منابع

۱. «تحلیل‌های چالش‌های بخش گردشگری»، مجلس و پژوهش، سال یازدهم، ش ۱۲، ۱۳۷۱.
۲. «زیارت برای دیدن یا باز کاویدن»، خیمه، ش ۵، بهمن ماه ۱۳۸۹.
۳. احمدی، سیدعبّاس، ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلتیک شیعه، تهران، ۱۳۹۰.
۴. اخبار شیعیان، سال ششم، ش ۵۴، اردیبهشت ۱۳۸۹ و سال ششم، ش ۵۵، خرداد ۱۳۸۹ و سال ششم، ش ۵۷، مرداد ۱۳۸۹.
۵. اعتماد، چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۱، ۱۹ رمضان ۱۴۳۳.
۶. امام زاده فرد، پرویز، «بررسی جایگاه قدرت نرم در سیاست»، فصل‌نامه مطالعات سیاسی، ش ۷، ۱۳۸۹.
۷. امیراحمدی، هوشنگ، «ایران و خلیج فارس»، ترجمه جمشید زنگنه، در: مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۸.
۸. امین‌الدوله، علی‌خان، خاطرات سیاسی میرزاعلی‌خان امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.
۹. آرنت، هانا، توتالیتاریسم، ترجمه محسن ثلاثی مجرد، تهران، ثالث، ۱۳۸۸.
۱۰. آقاجانی، قنّاد، اخراج ایرانیان از عراق، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۱. آیتی، علیرضا، عراق کانون تأثیرگذار، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۲. بابلیس، جان و اسمیت، استیو، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عرصه نوین، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۳.
۱۳. بحرانی مرتضی، و حسینی، مالک، «فرصت‌های ایران برای تبدیل به قدرت برتر منطقه‌ای»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۳۹۱.
۱۴. برژینسکی، ژینگو، انتخاب سلفه یا رهبری، ترجمه امیرحسین نوروزی، تهران، نی، ۱۳۸۶.
۱۵. بوزان. ال و یور، باری، مناطق و قدرت‌ها، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.

۱۶. پیران، پیروز، «انقلاب جهانگردی»، فصل‌نامه ایران زمین، سال اول، ش ۲، تهران، معاونت جهانگردی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. تراسبی، دیوید، اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، تهران، نی، ۱۳۸۲.
۱۸. تقی‌داوری، محمود، «نگاهی به جامعه‌شناسی زیارت»، معرفت، سال دهم، ش ۶، شهریور ۱۳۸۰.
۱۹. تلاشان، حسن، «دورنمای ژئوپلیتیک شیعه در عراق»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، سال هشتم، ش ۳۱، ۱۳۸۹.
۲۰. توال، فرانسوا، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتابیون باصر، تهران، ویستار، ۱۳۸۲.
۲۱. تیموتی، دالن، گردشگری بین‌المللی و برنامه‌ریزی، ترجمه سلطانی و لطفی، تهران، قومس، ۱۳۷۳.
۲۲. جعفری ولدانی، اصغر، چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸.
۲۳. جونز، ست جی، برقراری نظم و قانون پس از منازعه، ترجمه عسکر قهرمان‌پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸.
۲۴. چهل‌تنی، مهدی، «توسل مورد تأیید شیعه و سنی است»، تاریخ و اندیشه، ش ۷۳، بهمن ۱۳۸۹.
۲۵. حاجی یوسفی، امیرمحمد، چشم‌اندازهای منطقه‌ای و بین‌المللی عراق پس از صدام، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷.
۲۶. حاجی یوسفی، امیرمحمد، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای ۱۹۹۱-۲۰۰۱، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴.
۲۷. خسروی، غلامرضا، چشم‌انداز عراق آینده، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.
۲۸. الخفاف، حامد، دیدگاه‌های سیاسی - اجتماعی آیت‌الله سیستانی در مسائل عراق، ترجمه محمدجواد رحمتی، تهران، کویر، ۱۳۹۲.
۲۹. الخفاف، حامد، ناگفته‌هایی از سفر درمانی آیت‌الله سیستانی و بحران نجف، ترجمه محمدرضا مروارید، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۱.
۳۰. دهقانی فیروزآبادی، جلال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
۳۱. رحمانی، تائب، گفت‌وگوی ایرانی و اروپا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵.
۳۲. رحمانیان، مسعود، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، بهنامی، ۱۳۸۷.
۳۳. رضایی، محسن و علی مبینی، ایران آینده در افق چشم‌انداز، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.

۳۴. رنجبریان، بهرام، شناخت گردشگری، اصفهان، چهارباغ، ۱۳۸۴.
۳۵. روزماری، اس. ن، امنیت خلیج فارس، ترجمه حاکم قاسمی، تهران، پژوهشکده علوم دفاعی و استراتژیک دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۲.
۳۶. سیف‌زاده، حسین، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی - جهانی شده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴.
۳۷. سیمپسون، جان، فرجام دیکتاتور، ترجمه عسگر قهرمان‌پور، تهران، خرسندی، ۱۳۸۸.
۳۸. شفیع، نودز، و شیخون، احسان، «تحلیل سازه‌انگاران از تأثیر قدرت فرهنگی بر هژمونی ایالات متحده آمریکا در نظام بین‌الملل»، فصل‌نامه مطالعات میان فرهنگی، سال پنجم، ش ۱۲، ۱۳۸۹.
۳۹. صدیق زراعتی، جعفر، «بازاریابی بین‌المللی گردشگری»، دوماهنامه مسافران، دوره دوم، ش ۵، ۱۳۸۸.
۴۰. علویه کرمانی، حاجیه خانم، روزنامه سفر حج عتبات عالیات و دربار ناصری، به کوشش رسول جعفریان، قم، مورخ، ۱۳۸۶.
۴۱. قربانی، عادل، و صدیق محمدی، میرفرهاد، روابط اقتصادی ایران و عراق چشم‌اندازها و فرصت‌ها، تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۷.
۴۲. کربلایی کرناکی هندی، حافظ محمد عبدالحسین، تذکره الطریق فی مصائب حجاج بیت‌الله العتیق، به کوشش رسول جعفریان، اسرادوغان، قم، ۱۳۸۶.
۴۳. کلودسه، ژان، وحدت سیاسی اروپا، ترجمه محمود صور اسرافیل، تهران، مرکز مطالعات بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹.
۴۴. گلابچی، کاظم، سرپرست بخش تأسیسات مهندسان مشاور آستان قدس رضوی در همایش «معماری معاصر و توسعه حریم حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام در مشهد»، در مصاحبه با پژوهشگر، ۱۳۸۶.
۴۵. لی، جان، گردشگری و توسعه در جهان سوم، ترجمه عبدالرضا رکن‌الدینی افتخاری، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۷۸.
۴۶. مار، فب، تاریخ نوین عراق، ترجمه محمد عباسپور، تهران، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰.
۴۷. مجتهدزاده، پیروز، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه ملک محمدی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳.
۴۸. محمدی، حمیدرضا، «نقش گردشگری زیارتی در توسعه اجتماعی - اقتصادی سکونت‌گاه‌های زیارتگاهی روستایی»، رشد آموزش جغرافیا، دوره ۲۳، ش ۲، زمستان ۱۳۸۷.

۴۹. مختاری، محمد مهدی، فیدل کاسترو آخرین بازمانده جنگ سرد و چالش‌های درونی و بیرونی کوبا، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۶.
۵۰. مشیرزاده، حمیرا، تحوّل در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
۵۱. منسفیلد، پیتر، تاریخ خاورمیانه، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
۵۲. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴.
۵۳. نادری قطب‌الدینی، عباس، آینده فرهنگی خاورمیانه، کتاب خاورمیانه، ویژه مسائل و چالش‌های خاورمیانه، تهران، ابرار، ۱۳۸۳.
۵۴. نای، جوزف، کاربرد قدرت نرم، ترجمه سیدرضا میرطاهر، تهران، قومس، ۱۳۸۲.
۵۵. نقیب زاده، احمد، تأثیر فرهنگ ملی بر رفتار سیاسی ایرانیان، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲.
۵۶. واعظ، نفیسه، «تأملی بر علل و عوامل واگرایی میان کشورهای اسلامی خاورمیانه»، مجله علمی و پژوهشی مطالعات میان فرهنگی، سال دوم، ش ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
۵۷. واعظ، نفیسه، «تداوم و تحوّل در سیاست‌گذاری برای اماکن مقدّسه در قرن اخیر»، فصل‌نامه اسناد، مطبوعات و متون بهارستان، دوره دوم، سال اول، ش ۳، بهار ۱۳۸۸.
۵۸. واعظ، نفیسه، «فرصت‌های گردشگری دینی بر سیاست منطقه‌ای ایران از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱»، ج ۲، همایش بین‌المللی گردشگری دینی و توسعه فرهنگ زیارت، مشهد، نخستین، ۱۳۹۰.
۵۹. واعظ، نفیسه، تأثیر سلفی‌گری بر تیره‌سازی روابط ایران و عراق نوین، در تارنمای سومین همایش بین‌المللی مجازی تحولات ایران و جهان، ۱۳۹۲.
۶۰. همایون، محمدعلی، «تأملات و نکاتی درباره زیارت عتبات عالیات از سوی زائران ایرانی و سیاست‌های جمهوری اسلامی در قبال آن»، پیام صادق، سال نهم، ش ۵۰، ۱۳۹۲.
۶۱. یزدان فام، محمود، مجموعه مقالات خاورمیانه و جنگ ایران و عراق، تهران، مرکز اسناد انقلاب و تحقیقات دفاع مقدّس، ۱۳۸۸.
۶۲. یعقوبی، ابوالقاسم، «گردشگری در قرآن»، فصل‌نامه فقه، ش ۱۴، زمستان ۱۳۷۶.

منابع لاتین

1. Baldwin, David, "Power and International Relations", **Hand book of International Relations**, London. Sage, 2002.
2. Barzegar, kayhan, "Roots of the new Terrorism in the Middle east", **National Interst**, Vol.1, availabl at: www.usip.org, 2005.
3. Buzan, Barry, **Regions and Powers the structure**, London, Cambridge university press, 1996.
4. Ehteshami, Anushirvan, "Iran-Iraq Relation after Saddam" The Washington 2003.
5. Femes, Danniell, Conceotualising Regional Power in Intersnational relation, available, at: <http://www.ideas.repec.org>.
6. Hass, Ernest, **Economic and Pattern of Political integration projection about unity in Latin**, 1988.
7. Hass, Ernest, **Beyond the Nation, Statesstanford**, Stanford University press, 1964.
8. Holiday, Fred, "**Revolution and World Politics: the Rise and fall of the sixth great power**", Macmilan press, 1999.
9. www.khabaronline.ir
10. Mitrany, David, "**A Working Peace System**", Chicago, Quadrangle, 1966.
11. Nasr, Vali, Regional Implication of Shia revival in Iraq, The Washington quarterly, vol.27, n.39, summer 2004.
12. Nye, jr.josephs, "Soft power", **Foreign Policy**, vo1, 1990.
13. Pedersen, Thomas, "Cooporative Hegemony: power, Ideas, and Institutions in Regional Integration", **Islamic Studies**, 2001, p.32.
14. Schoeman, Maxi, "**South Africa as Emerging Middle power**", 1994.
15. Vaez, Nafiseh, "A study of obstacles to the Establishment of an Islamic union in the middle east World Congress for Middle EASTERN STUDIES" Barcelona, july 19th-24th, 2010.
16. www.atabat.org
17. www.mehrnews.com
18. www.wto.org (world tourism organization)
19. Vaez, 2011, **Opportunity & Limitation of Religious pilgrim in Iran and Iraq relation, 18th** International DAVO Congress for Contemporary Research on the Middle East, Berlin, 6 - 8 October .
20. [www.mehrnews.com/fa/news/detail.aspx ?/9/5/1391](http://www.mehrnews.com/fa/news/detail.aspx?/9/5/1391).
21. www.isna.ir/fa/news/22/5/1391.
22. www.isna.ir/fa/news/jhvdo nsjvsd 22/5/1391